

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال دوازدهم
شماره ۱۴۳ بهمن ۱۳۹۰ - فوریه ۲۰۱۲

سیاست راهبردی استیلاجویانه امپریالیست آمریکا در منطقه اقیانوس آرام و محاصره نظامی و اقتصادی چین

باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا مطابق گزارش خبرگزاری های جهان مورخ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۱ در روز پنجشنبه در مجلس استرالیا نطقی ایراد کرد که سیاست راهبردی امپریالیست آمریکا را برای دهه های آینده در جهان و در درجه نخست در آسیا رقم می زد.

این موضعگیریهای سیاسی دارای ابعاد بزرگ در مقیاس جهانی بوده و منظره سیاسی جهان را بشدت تغییر خواهد داد. سخنرانی اوباما در تهدید چین، در واقع ترسیم و تحمیل یک نظم نوین جهانی در وضعیت بحران جهان سرمایه داری است. مبارزه با "تروریسم اسلامی" جایش را بتدریج به مبارزه با سلطه گری چینی ها واگذار می کند. تئوری ارتجاعی مبارزه با "اسلام سیاسی" به مبارزه با خطر "نژاد زد" تبدیل می گردد. این ارزیابی جدید متکی بر همان نظریات "برخورد فرهنگ ها"ی پرفسور ساموئل هانتینگتون یهودی تبار است. بدون... ادامه در صفحه ۵

برگزاری کنفرانس بین المللی احزاب برادر برای

پیروزی انترناسیونالیسم پرولتری

کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست جهان در ماه نوامبر با شرکت ۱۶ حزب برادر در یکی از کشورهای اروپائی به مدت چهار روز برگزار گردید. برخی از احزاب به علت مشکلات فنی امکان شرکت در این کنفرانس را نیافتند. کنفرانس با خوشآمدگویی کشور میهماندار آغاز به کار نمود. کمیته هماهنگی گزارش فعالیت های خود را در سال گذشته به کنفرانس ارائه داد. کنفرانس به بحث و تبادل نظر در مورد تجزیه و تحلیل و طرح پیشنهادی کمیته در مورد اوضاع بین المللی و بحران اخیر پرداخت. سپس احزاب شرکت کننده بنابر شرایط خاص کشور خود به لزوم تبلیغات و نوع... ادامه در صفحه ۷

جستجوگر "گوگل" در خدمت

امپریالیسم و صهیونیسم

رسانه های گروهی امپریالیستی و صهیونیستی موجی سرشار از دروغ و جعلیات در مورد برنامه هسته ای ایران که حق مسلم مردم ایران است و ربطی به جمهوری جنایتکار اسلامی که میرنده و رفتنی است، ندارد، راه انداخته اند. برای امپریالیستها یک ایران بدون آینده و بدون دانشمند و بدون کارشناس و وابسته و نیازمند به خرید انرژی هسته ای از امپریالیستها، خوشایندتر است. از ایرانی که از حقوق خودش برای دستیابی به فن آوری هسته ای و یا استفاده از انرژی هسته ای دفاع کند و بر سر پای خود بایستد و در مصرف نفتش، به خاطر مصالح آتی و اهمیت این ماده ی بدون جایگزین، برای تامین مواد اولیه صنایع پتروشیمی، صرفه جوئی کند و تولیدش را برای هدایت بهای نفت کاهش دهد، منتفر است. ایران اتمی همراه با سایر ممالکی که از حق مسلم خودشان دفاع می کنند، سیاست راهبردی امپریالیسم، در انحصاری کردن استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای و حتی غیر صلح آمیز را در هم می شکند. باین جهت رسانه های گروهی امپریالیستی، جنجال دروغینی در مورد بمب موهومی اتمی ایران، صرفا از نظر جنگ طلبی براه انداخته اند. حال اگر شما بخواهید در مورد "بمب اتمی اسرائیل" مدرکی بدست آورید، جستجوگر گوگل بجای تحقق خواست شما، مدارکی جعلی و یا تفسیرهای مشتکی خودفروخته ایرانی تبار و یا ادعاهای بی اساس سازمانهای جاسوسی در مورد ایران را به شما عرضه می کند. بمب اتمی واقعی اسرائیل چه ربطی به بمب موهومی ایران دارد؟ ایران کجا و اسرائیل کجا؟ حزب ما در تاریخ ۲۰۱۲/۰۱/۱۷ به جستجوی "بمب اتمی اسرائیل" در تارنمای جهانی پرداخت و اسناد زیرین که ربطی به اسرائیل ندارد و همگی علیه ایران است را از طریق جستجوگر... ادامه در صفحه ۸

جنگ فرسایشی بازدارنده، جایگزینی برای جنگ بیرحمانه بازدارنده

امپریالیسم آمریکا در زمان بوش آئینی ابداع کرد که به موجب آن امپریالیست آمریکا این حق را برای خودش برسمیت می شناخت که به هر کشوری که از جانب وی احساس خطر کند تجاوز نماید و نام این اقدام جنایتکارانه را جنگ بازدارنده و یا پیشگیرانه نهاد. وی حتی ضرورتی احساس نمی کرد که در این مورد مصوبه سازمان ملل متحد را که امروزه پیشخدمت امپریالیست آمریکا شده است بدست آورد. منطق جرج بوش این بود که آری ما گردن کلفتیم و این کار را به زور به انجام می رسانیم. زوری که منافع امپریالیست آمریکا را تامین کند از نظر جرج بوش مجاز بود. جرج بوش با این سیاست توهین و بی ارزش شمردن مردم و افکار عمومی جهان برای امپریالیست آمریکا تنها بی آبرویی و احساس نفرت در جهان آفرید. این روحیه نفرت از امپریالیست آمریکا می توانست برای این امپریالیسم در نزاع با رقبایش در دسر ساز باشد و نتواند در عرصه شستشوی مغزی با زور رسانه های گروهی موفق باشد. این بود که اوباما با چهره گرگی در پوستین میش به میدان آمد تا همان سیاست دفاع از منافع راهبردی امپریالیست آمریکا را متحقق گرداند. وی به جای جنگ عریان بازدارنده با سیاست جنگ پنهان... ادامه در صفحه ۲

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

جنگ فرسایشی ...

فرسایشی بازدارنده به میدان آمد.

نتایج تجاوز به ایران قابل محاسبه نیست**در عرصه تاریخی و فرهنگی**

ایران کشوری است دارای سابقه تاریخی طولانی و پیشرفته در منطقه. مردم ایران در تکامل و تحول خویش از حالت ایل و طایفه بدر آمده و در شرایط حاکمیت یک مناسبات سرمایه داری رشد کرده و به صورت خلقی با غرور ملی و سابقه مبارزه تاریخی ضد امپریالیستی و ضد استعماری تحول یافته و آبدیده شده اند. مردم ایران تا کنون چندین انقلاب پرشکوه را پشت سر گذارده و در قیاس با سطح درک مردم منطقه از نظر درک سیاسی و سطح فرهنگی و ظرفیت علمی بسیار پیشرفته ترند. ایران کشوری پهناور با شهرهای میلیونی در شرق و غرب و شمال و جنوب ایران است. ایران به علت سابقه تاریخی طولانی خویش، حدود منطقه نفوذ فرهنگی و اشتراکات تاریخی اش از مرزهای رسمی جغرافیائی کنونی تجاوز کرده و تمام آسیای مرکزی، قفقاز، و خاور میانه و نزدیک را در بر می گیرد. این خویشاوندی ملتهای منطقه از دیوار چین تا دریای مدیترانه و شمال آفریقا و حتی بخشی از اروپا را شامل می شود. نزدیکی فرهنگی و همسرنوشتی میان این ملل فقط مذهبی نیست، بیشتر فرهنگی و تاریخی است. ایران کشوری نیست که بعد از جنگ جهانی اول مانند عراق و عربستان سعودی و اردن و یا پاکستان بر اساس خواست و منافع استعمار به مناطق نفوذ تقسیم شده و بر این اساس بوجود آمده باشد.

در عرصه نظامی

ایران از نظر نظامی از یک جنگ هشت ساله بر ضد عراق که از حمایت همه ارتجاع منطقه و پشتیبانی امپریالیستها از عراق بود بیرون آمده و توانسته علیرغم تحریم سی ساله کمر راست کند. صدها هزار جوانان این کشور برای دفاع از میهن، علیرغم دشمنی با جمهوری اسلامی به جبهه رفتند و جان دادند تا ایران زنده بماند. ایران با توجه به محاصره اقتصادی از جانب آمریکا مجبور بوده است در عرصه هائی به فناوری ساخت تسلیحات نظامی دست پیدا کند. گرچه ایران در میدان نبرد هوائی با حدود ۳۰۰ هواپیمای کهنه و فرسوده بخت مصاف با آمریکا و ناتو و ارتجاع عرب منطقه و اسرائیل را ندارد، ولی توانسته با دستیابی به فناوری موشکی و ماهواره ای حتی آنطور که رسانه های غربی می گویند به فهرست ده کشور توانای کشور جهان در این زمینه، بپیوندد. پیشرفت در صنایع موشکی ضعف هوائی ایران را تا حدودی جبران کرده، ولی نمی تواند به برتری انبوه و سرسام آور قوای دشمن چیره شود. از نظر نظامی ایران توان مقابله با این هیولا در یک جنگ جبهه ای را ندارد.

ولی ایران با توسل به نیروی موشکی خود و با برخورداری از کماندوهای رزمی اش در منطقه می تواند ضربات کارسازی به دشمن بزند که برای ایجاد یک بحران در جهان کفایت می کند. اسرائیل و چاههای نفت عربستان سعودی و کویت و عراق و امارات متحده عربی و پاره ای پایگاههای آمریکا در ترکیه، کردستان عراق، آذربایجان و گرجستان

... در تیررس موشکهای ایران است. ایران می تواند تنها با غرق یک کشتی حمل نفت تنگه هرمز را ببندد و در جریان عادی نفت اخلاص کند. امری که به بحران اقتصادی می انجامد.

دشمنان ایران که می بایست با حملات سنگین هوائی به صورت مستمر و در طی هفته ها، بدون تاخیر و گسست، به همه اقصی نقاط ایران حمله کرده تا نگذارند ایران از ذخایر و امکانات خویش و یا حتی امکانات نادانسته از نظر دشمن، استفاده کند، باید مطمئن شوند که این حملات طوری خواهد بود که کوچکترین امکان واکنشی را به رژیم جمهوری اسلامی نمی دهد. محاسبه و سازمان دادن چنین وضعیتی از نظر نظامی کار آسانی نیست. از این گذشته ایران امکاناتی در ممالک همسایه خویش دارد تا برای قوای اشغالگر مزاحمتهای سنگینی فراهم آورد. معلوم نیست کشور عراق بتواند با همین وضعیت، وحدت نیم بند خویش را حفظ کند و در خطر تجزیه قرار نگیرد. معلوم نیست سرنوشت نیروهای ناتو در افغانستان چه خواهد شد؟

در عرصه حمایت جهانی

ایران به علت همدردی با ملت فلسطین و لبنان از حمایت بسیار بالائی در میان مردم ممالک عربی و مسلمان برخوردار است. نزدیکی ایران به کشورهای ونزوئلا، کوبا، برزیل و بولیوی برای ایران محبوبیت فراوانی در ممالک آمریکای لاتین خلق کرده است. نزدیکی ایران به سوریه و فلسطین و لبنان از این ممالک سپر دفاعی برای ایران ساخته است که مولفه های مهمی در محاسبات امپریالیسم برای تجاوز به ایران به حساب می آیند. این کشورها در پشت جبهه دشمنان ایران قرار دارند و دسایس در سوریه توسط امپریالیستها را باید در پرتو این وضعیت دید که تلاش می کند پشت جبهه ایران را خالی کند.

تجاوز به ایران موجی از اعتراض در میان ملتهای جهان بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم ایجاد خواهد کرد. این تجاوز به علت مخالفت چین و روسیه در شورای امنیت به صورت یک اقدام غیر قانونی و با نقض همه موازین حقوقی و انسانی جهانی باید صورت گیرد که نقاب امپریالیسم را در فریب افکار عمومی به زیر می کشد. مردم خواهند دید که آنها نه به حقوق بشر نقیدی دارند و نه به حقوق ملل و نه به موازین جهانی، تنها منافع غارتگرانه امپریالیستی است که موتور حرکت جنون آسای آنها خواهد بود. تجاوز به ایران و موج حمایت از ایران حتی در میان نیروهای صلح دوست و ضد جنگ و انقلابی و کمونیست در جهان و بویژه در اروپا رنگ جدیدی به اشغال افغانستان، عراق و لیبی می زند.

ممالک غیر متعهد در اکثریت خود همواره از خواست محقانه ایران برای غنی سازی اورانیوم دفاع کرده اند و تجاوز به ایران را برای منع ایران در استفاده از این حق با سوء ظن خواهند نگرست. دنیای بعد از تجاوز به ایران، دنیای قبل از آن نخواهد بود. بنظر حزب ما تمام روابط جهانی اعم از حقوقی و یا غیر از آن دستخوش تحول خواهد شد. تجاوز به ایران، چین و روسیه را در مقابل پرسشهای سرنوشت ساز قرار خواهد داد. سازمان ملل به عنوان مترسک امپریالیسم، بی اعتبار خواهد

شد و گور خودش را خواهد کند و قانون جنگل بر همه جا مستولی می گردد.

در عرصه وحدت خلق و یکپارچگی

تجاوز به ایران اپوزیسیون خودفروخته ایران را بشدت منزوی خواهد کرد، زیرا مردم ایران مسلماً به مقاومت در مقابل تجاوز دست زده به وحدت ملی خویش تکیه خواهند کرد. دو جبهه در ایران و خارج بوجود می آید:

جبهه دشمنان مردم ایران و جبهه مردم ایران.

احمد چلبی های ایرانی قادر نخواهند شد در ایران برای خویش جای پائی باز کنند. سرنوشت سازمان مجاهدین خلق که از محبوبیت چشم گیری در ایران در قیل و آغاز انقلاب برخوردار بود، بعد از همدستی با صدام حسین و سپس پابوسی جرج بوش، مورد انزجار عمومی قرار گرفت، بهترین تجربه در این زمینه است. خودفروختگانی که در پا رکابی امپریالیستها به ایران وارد شوند و بخواهند بر ایرانی مخروبه حکومت کنند، هرگز مورد اعتماد ملت ایران نخواهند بود و از همان روز نخست آماج مبارزه این ملت هستند. فراموش نکنیم که برخلاف افغانستان، عراق و لیبی و یا سوریه میلیونها ایرانی در سراسر جهان زندگی می کنند که علیرغم مخالفتشان با جمهوری اسلامی از عراقیزه شدن ایران نفرت دارند. بسیج این عده در مخالفت با جنگ و تجاوز امپریالیست آمریکا وضعیت را برای تحمیل سانسور و جعل اخبار دشوار می کند. عده قلیل ایرانیان خودفروخته و احزاب اسرائیلی نظیر "حزب کمونیست کارگری ایران" و پیروان تئوریهای منصور حکمت و گروه های ناسیونال شونیست قومی و آریائی شونیستهای سلطنت طلب که فرمان تجاوز به ایران را امضاء می کنند، نمی توانند نقش قاطعی در جعل اخبار بازی کنند.

تضادهای امپریالیستها

در کنار این عوامل تضاد امپریالیستها را نیز نباید فراموش کرد که گرچه در ظاهر در زیر فشار آمریکا و اسرائیل گردن خم می کنند، ولی واقفند که در ایران ویران بعد از جنگ، منافع آنها بر سر تقسیم به خطر خواهد افتاد و قادر نخواهند بود بعد از آن به نفوذ بی کران امپریالیست آمریکا در ایران و منطقه دهنه زنند. امپریالیستهای رقیب - چین و روسیه - که در بازار ایران فعالند و سودهای سرشار کسب می کنند، ایران کنونی را که نفوذ آمریکا در آن و در منطقه حریص امنیتی اش کوتاه شده، به ایران ویران که سهم آنها را به حساب نیاورد و تسلط امپریالیسم آمریکا را تضمین نماید، برای تامین منافع خویش ترجیح می دهند. آنها می بینند که درگیری در منطقه دورنمای قابل محاسبه و روشنی ندارد. حالت کسی را پیدا می کند که در تونل تاریکی با سرعت به پیش می رود تا به روشنایی برسد، ولی انتهای این تاریکی بر وی معلوم نیست و بُعد مسافت را نیز نمی تواند حدس زند.

این مولفه ها که در بالا بر شمرديم نقش بازدارنده در تجاوز عریان امپریالیسم به ایران ایفاء می کند. ولی وجود این موانع در سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا برای سلطه کامل بر منطقه خلیج فارس و کنترل منابع انرژی نفت علیرغم همه خطرات توقفی ایجاد... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

جنگ فرسایشی ...

نمی کند. سلطه امپریالیسم آمریکا بر ایران و خلیج فارس به عنوان تنها کشوری که هنوز تسلیم مطامع امپریالیست آمریکا نشده است، دست امپریالیسم آمریکا را برای سلطه بر اروپا و چین و روسیه و ژاپن باز می گذارد. شیر نفت و انرژی جهان را بدست امپریالیسم آمریکا می دهد تا با توجه به منافعی در جهان آنرا شل و سفت کنند. آنها قادر می شوند جنبشهای منطقه را سرکوب نمایند و عربستان سعودی را در مقابل خطرات احتمالی ناشی از شورش مردم و یا دست یابی رقیب به منابع نفتی آن حفظ کرده و به سرعت به اشغال آن روی آورند و تصرف چاههای نفت عربستان سعودی را برای حفظ "تمدن" غرب و نوع و "شیوه زندگی آمریکائی" با کشتار مردم منطقه تضمین نمایند.

تسلط بر چاههای نفت و انرژی جهان چه به صورت فسیلی و چه به صورت هسته ای از سیاستهای راهبردی امپریالیست آمریکاست.

تاکتیکهای جدید امپریالیسم برای مقابله با ایران و تسلط بر منطقه

جنگ روانی یکی از ابزار مبارزه امپریالیسم است. توسط این جنگ روانی که مرتب بر طبل جنگ می کوبند، امپریالیسم و صهیونیسم تلاش می کنند درجه آمادگی ایران و درجه تحمل روسیه و چین و واکنش سایر ممالک جهان را در مقابل یک جنگ احتمالی تخمین بزنند و خود را از همه نظر برای زمان صفر آماده گردانند. این جنگ روانی با انجام مانورهای دریائی در چند هزار کیلومتری خاک آمریکا، و انتقال ناوگان دریائی نظامی به منطقه و تقویت پایگاههای آمریکا در منطقه ادامه دارد.

جنگ روانی برای شستشوی مغزی مردم جهان نیز صورت می گیرد. باید به مردم جهان اینگونه تفهیم شود که معیار اندازه گیری ارزشها در جهان همان ارزشهای مطلوب آمریکائی است و هر کس از این ارزشها چشم ببوشد به "جامعه جهانی" نپیوسته است. "جامعه جهانی" یعنی جامعه مورد قبول آمریکا. این یکی از ابزارهای شستشوی مغزی امپریالیستی است. باین ترتیب همه ملت‌های جهان عضو این جامعه نیستند و همه غارتگران جهان عضو این جامعه هستند.

دولت آمریکا در چارچوب همین مقابله روانی، به جعل حقایق دست می زند و سناریوی ترور سفیر عربستان سعودی را بدون شرم و با گستاخی و با علم بدروغ بودن آن طرح می کند. سیموس میل گزارشگر گاردین مورخ ۸ دسامبر ۲۰۱۱ می نویسد: "شواهد قابل اعتمادی نشان می دهند، ایران به دنبال تولید سلاح هسته ای است، وجود ندارد" و رونالد پوپ Roland Popp کارشناس امورخاورمیانه و امور امنیتی در مرکز تحقیقات امنیتی زوریخ در یک مصاحبه مطبوعاتی فاش کرد: "ما می دانیم که آمریکا اطلاعات سازمان های امنیتی را در اختیار این ژانسیون قرار داده است. چنانچه ژانسیون بیش از همه به این اطلاعات استناد کرده باشد این زمینه را برای خود فراهم می آورد که متهم به سیاسی نمودن وضعیت شود در حالی که ژانسیون موظف به بیطرفی کامل است" و با وجود این شواهد و تحلیلی امپریالیست آمریکا به یاری

نوکر دسته بسینه اش در دبیرکلی سازمان ملل متحد یعنی آقای بان کی مون و عنصر بی اراده ای در راس ژانسیون جهانی سازمان انرژی هسته ای، عامل منابع امنیتی کشورهای امپریالیستی، آقای یوکیو آمانو، در پی خدعه گری، دروغبارکنی و پامال کردن حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم است. آنها مستمرا و بی وقفه، فقط با اتهام و بدون ارائه سند و مدرک، با دروغ، هياهو و جنجال، فیل بمب اتمی "موهومی" ایران را هوا می کنند تا برای افکار عمومی جهان یک خطر موهومی که صلح و امنیت جهان؟! را تهدید می کند، بیافرینند. طبیعتا نابودی خطری که امنیت و صلح جهان را تهدید می کند، نمی تواند مورد حمایت افکار عمومی جهان قرار نگیرد. نابودی ایران با مردمش باید به عنوان نابودی خطر بمب اتمی، نخست در افکار عمومی جهان مقبولیت یابد.

در کنار جنگ روانی و فعالیت گسترده، سازمان یافته در فیس بوک با چهره ها و تصاویر تقلبی توسط کارمندان سازمانها ی جاسوسی این کشورها و ایرانیان خود فروخته، آنها توانسته اند به موقع به جعل خبر به صورت موجی و مترامم بپردازند. نمونه لیبی و سوریه بسیار آموزنده است. اسناد جعلی در هنگام تجاوز به لیبی و فعالیت‌های اپوزیسیون سوریه و بویژه ارتش "ملی" کاغذی سوریه در فیس بوک توسط عاملان جنگ روانی منتشر می شد.

از نظر نظامی

با آموزش از تجربه اعزام چند هزار کماندوهای گرد تعلیم دیده آمریکائی به کردستان عراق، آنها برای اجرای عملیات خرابکارانه در داخل ایران، افراد تعلیم دیده ای را به داخل خاک میهن ما از طریق اسکله های غیر قانونی و یا مرزهای کردستان عراق و بلوچستان اعزام کرده اند. وظیفه این کماندوهای اسرائیلی و آمریکائی و بخشا ایرانی تیار، نشانه گذاری همه تاسیسات مهم راهبردی ایران، مخازن و سیلوهای غذایی، منابع آبی، کارخانه های بزرگ، راهها و تاسیسات نظامی و هسته ای ایران است. سازمانهای خود فروخته ایرانی نظیر "مجاهدین خلق ایران" و "حزب کمونیست کارگری ایران" نیز با آنها در این عرصه همکاری می کنند و حتی مجاهدین به دادن اسرار سری نظامی ایران به امپریالیست خونخوار آمریکا، افتخار نیز می نمایند. اسرائیلیها بر پایه همین اطلاعات است که موفق شده اند تا کتون چهار تن از دانشمندان هسته ای ایران را ترور کنند و دو انبار مهمات موشکی ایران را نیز منفجر نمایند. اسرائیلیها بیاری آلمانها و آمریکائیها با ارسال ویروس استاکس نت Stuxnet و دخول آن به تاسیسات هسته ای و صنعتی ایران خسارات فراوانی به ایران وارد کرده اند. هواپیماهای بی سرنشین آمریکا مرتب از تاسیسات ایران بر خلاف همه موازین برسمیت شناخته شده جهانی تصویر برداری کرده و جاسوسی می کنند. این خرابکاریها مسلما به اینجا ختم نمی شود و باید در شرایط بحرانی منتظر بمب گذاری در سایر مناطق ایران بود که برای ایجاد ترلززل و تشویش اذهان عمومی و تولید فضای مملو از سوء ظن به همان انفجاراتی در

شهرهای بزرگ میلیونی و در اماکن عمومی دست زنند که در عراق دست می زنند. در این عرصه عربستان سعودی توسط سپاه صحابه تجارب بیشتری دارد و در یک هماهنگی با آمریکا و اسرائیل آنرا اجراء خواهد کرد. روزنامه گاردین چاپ لندن در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۱۱ خود تحت عنوان "جنگ علیه ایران آغاز شده است" می نویسد: "تعداد شواهدی که نشان می دهد جنگ سری آمریکا و اسرائیل بر ضد ایران، با پشتیبانی بریتانیا و فرانسه، از هم اکنون آغاز شده، روز به روز افزایش می یابد. پشتیبانی پنهانی از گروه های مخالف بتدریج به تلاش برای کشتن دانشمندان اتمی ایرانی، استفاده از جنگ افزار سایبری، حمله به تاسیسات موشکی، و کشتن یکی از فرماندهان ایرانی از جمله این شواهد است."

در عرصه اقتصادی

امپریالیست آمریکا به محاصره اقتصادی ایران تحت عنوان تحریمهای کالاهای دو منظوره دست زده است. به غیر از قطعهنامه های غیر قانونی که با فشار و زور در شورای امنیت به تصویب رسانده اند، تحریمهای غیر قانونی و فاقد مبانی حقوقی دیگری نیز به اجراء می گذارند که یا توسط اتحادیه اروپا و یا خود آمریکا صورت گرفته که ربطی به سازمان ملل نداشته و این اقدامات غیر قانونی را به سایر ممالک نیز با تهدید و تطمیع و فشار تحمیل می کند. این اقدامات غیر قانونی و مغایر تمام موازین جهانی و منشور ملل متحد، شامل تحریم کردن بانک مرکزی و خرید نفت ایران است. باین ترتیب تحریم اقتصادی ایران باید به قتل عام مردم ایران منجر شود. حزب ما تحریم اقتصادی ایران را یک جنایت ضد بشری ارزیابی می کند **اسلحه تحریم که نتایج فاجعه بار آنرا ما در عراق و نوار غزه شاهد بوده ایم یک سلاح کشتار جمعی است.** این تحریمها باید به مردم ایران آن چنان گرسنگی بدهد که به خیال آمریکائی ها به طغیان برخیزند و با شعارهای "نه غزه، نه لبنان، حمله کنید به ایران" در مقابل پای اوپاما در فرودگاه امام خمینی فرش قرمز پهن کنند. تحریم نفتی با افزایش بهای ارز و سقوط بهای ریال منجر می شود. بهای اجناس در ایران سرسام آور و برای اقشار و طبقات کم در آمد غیر قابل پرداخت خواهد شد. تبادل ارز در عرصه تجارت جهانی برای ایران مقدور نخواهد بود. خرید کالاهای مورد نیاز کشور از جمله دارو و غذا غیر ممکن می شود. دولت فاقد ذخیره ارزی خود بود. امپریالیستها حتی قانونی گذرانده اند که از لنگر انداختن کشتیهای ایران به بندرگاههای جهان جلو گرفته و کشتیهای ایران را در آبهای بین المللی مانند راهزنان دریائی بازرسی کنند. این اقدامات اعلان جنگ غیر رسمی علیه ایران است.

فشار سیاسی و دیپلماتیک

به ایران در عین حال در این عرصه صورت می گیرد که آنها فهرستی از اسامی کسانی تنظیم کرده اند که حق ورود به ممالک هندست آمریکا را، به عنوان افراد ممنوع ورود ندارند. با این روش آنها هر وقت لازم دانستند، می توانند با شل و سفت کردن پیچ و مهره ی این فهرست، از رفت و آمد شخصیت‌های معیین یا ... ادامه در صفحه ۴

صهیونیسم یعنی نژادپرستی، همدست امپریالیسم

جنگ فرسایشی ...

مطلوب به صورت دلبخواه جلوگیری کنند. با این تاکتیک، امپریالیستها قادرند در کنار ترور دانشمندان ایرانی، به ایجاد تزلزل و تشویش در میان کسانی بپردازند که در عرصه دانش هسته ای فعالند و با جنگ روانی آنها را مجبور کنند از فعالیت در این عرصه ها دست بردارند. این اقدامات یاد آور دسیسه امپریالیست آمریکا و فرانسه و بلژیک در مورد کشور تازه استقلال یافته کنگو بود. آنها با همدستی داک هامر شولد سوئدی که نوکر آمریکا و دبیرکل سازمان ملل متحد بود، از سفر پاتریس لومومبا رئیس جمهور قانونی کشور آزاد شده کنگو، به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ممانعت کردند و به جای وی موسی چومبه عامل امپریالیست را که به تجزیه کنگو دست زده بود، به عنوان نماینده مردم کنگو به سازمان ملل بردند و وی را نماینده خلق کنگو جاز زدند.

تلاش برای انزوای جهانی ایران

امپریالیستها در عین حال ممالک همسایه ایران را به تحریک علیه ایران می کشانند. نقش ترکیه در استقرار سپر موشکی ناتو در ترکیه، تجاوزش به خاک عراق تا نزدیکی مرزهای ایران، تجاوز دورویانه اش به سوریه با امان دادن به خودفروختگان سوریه در آنکارا به عنوان دولت آتی سوریه، نقش عربستان سعودی در تجاوز آشکار به بحرین و آدمکشی تا به امروز و قطع و پخش اخبار در مورد این جنایات توسط ممالک دموکراسیهای غربی تا به امروز، تجاوز روشن به یمن و دخالت در اتحادیه عرب برای سرنگونی حکومت رسمی معمر قذافی و بشار اسد و حمایت از امارات متحده عربی و خرید سلاحهای آمریکایی که خودش قادر به استفاده از آنها نیست، برای خلبانان آمریکایی در هنگام وقوع جنگ، دادن پایگاههای نظامی به آمریکا در بحرین، کویت و عربستان سعودی و قطر و ابو ظبی، تلاش برای ایجاد یک ناتوی عربی با شرکت ممالک عضو پیمان شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس و حتی اردن و مراکش و... تحریک سنی های پاکستان و عراق برای راه انداختن جنگ شیعه و سنی و حتی استفاده از القاعده در این عرصه و... افزایش تولید نفت و بازی با بهای آن برای اینکه کمر اقتصاد ایران را شکسته و به مردم ایران گرسنگی دهد و در عین حال واهمه جهان را از کاهش تولید نفت در جهان در صورت تجاوز به ایران به حداقل برساند، تمام این اقدامات و نظایر آنها با این هدف صورت می گیرد که ایران را درگیر یک جنگ فرسایشی طولانی نموده و زمینه را برای یک شورش داخلی و فروپاشی نظام جمهوری اسلامی و تسلط کامل بر ایران بوجود آورد. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی الزاما آزادی ایران نیست. ایرانی از نظر حزب ما آزاد است که سرنگونی رژیمش تنها با دست مردم ایران صورت پذیرد و نه اجانب که تنها در پی منافع کوتاه و دراز مدت خویش در ایران هستند. این تحریکات می تواند به جنگ میان ایران و همسایه ها کشیده شود که حاکمیت ایران را در بن بست سختی قرار می دهد. این درگیریها طبیعتا بدون شرکت مستقیم

که به موقع فعال شده به خرابکاری دست خواهند زد. فراموش نکنیم که ارتش سرّی ایران که توسط ناتو و آمریکا در سراسر ممالک متحد آمریکا، از ایتالیا، ترکیه، آلمان گرفته تا ایران بوجود آورده بودند، هنوز کاملا مضمحل نشده اند. آنها تلاش می کنند با خرابکاری در تمام زمینه ها بویژه سیاسی و روانی در سر بزنگاه ضربات کاری به ایران بزنند و راه ورود امپریالیستها را هموار کنند. حتی امکان انجام یک کودتای نظامی در ایران که "تحولات" بدست ایرانیها انجام پذیرد منتفی نیست.

این جنگ پنهان هم اکنون در جریان است بدون آنکه از هیچکدام از طرفها آنرا اعلام کرده باشند. تحریم نفت ایران به این معنی است که ما دست خود را بر خرخره ایران گذارده فشار می دهیم تا خفه شود. هر لگد اندازی ایران می تواند به مثابه شروع جنگ از جانب ایران طرح شود. تهدید ایران که تنگه هرمز را می بندد یکی از آن دست و پا زندهاست. اگر ایران این تهدید را در شرایط واقعی و نه تبلیغاتی تحریم، عملی نکند در واقع تسلیم شده است، چون در پی آن، سایر خواستههای پایان ناپذیر و آزمندانه امپریالیستها مطرح می شود. اگر ایران تهدید خود را عملی کند، که در آن صورت ایران عامل جنگ معرفی شده که همه قوانین جهانی را به

زیر پا گذارده و ابهای بین المللی را برای عبور کشتیهای "آزاد" بسته است. به قول معروف قلم در دست دشمن است و هر طور بخواهند، دروغهای خویش را ردیف می کنند. امپریالیست خونخوار و توسعه طلب و جنگ افروز آمریکا، ایران را جنگ افروز معرفی خواهد کرد.

همزمان با این فشارها امپریالیستها در عرصه انجام انقلاب مخملی در ایران هم کار می کنند. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا اعتراف کرد که در همان سال ۲۰۰۸ با رهبران جنبش سبز در ایران تماس برقرار کرده و پیشنهاد کمکهای آمریکا به آنها را عرضه کرده است. این پیشنهاد از جانب رهبران جنبش سبز با این استدلال که همکاری با آمریکا مردم را از ما بیزار می کند و ما را منزوی می نماید رد شده است. ولی امروز بخشهایی از همان جنبش و پاره ای از خودفروختگان دیگر با همان شعارهای آمریکایی پسند جنبش سبز نظیر "مرگ بر روسیه"، "مرگ بر سوریه"، "مرگ بر چین"، "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران"، آماده اند تا در این جنگ فرسایشی نقشهای معینی را بعهده گیرند. جنبش سبز نیز در حال تصفیه است. عناصر انقلاب مخملی در زمان تشدید تضادها از آن جدا می شوند.

تنها راه بی اثر کردن تهدیدات امپریالیستها و صهیونیستها و نوکران ایرانی داخلیشان تکیه به مردم است. تنها رژیم می تواند این تهدیدات را خنثی کند که نیروی مردم را بدنبال داشته باشد و از حقوق ایران در کلیه زمینه ها دفاع کرده، بر ضد اسلحه گرسنگی کشتار جمعی امپریالیستها و نظایر آنها به مقابله برخیزد.

رژیم جمهوری اسلامی که در جنایت ویی قانونی و ارتشاء و دزدی و خیانت از رژیمهای بی نظیر تاریخ ایران می باشد، مورد... ادامه در صفحه ۵

امپریالیستها ولی با هدایت آنها صورت می گیرد. دست ایران برای یک حمله متقابل و همه جانبه بسته است. امپریالیستها با این جنگ فرسایشی به ایران اعلان جنگ داده اند. وقتی مناسبات ممالک آسیای میانه با ایران رو به بهبود نهاد و ایران روابط حسنه با قزاقستان برقرار کرد هیلاری کلینتون عازم قزاقستان شد تا حکومت وقت آنجا را تهدید نماید روابطش را با ایران به حداقل برساند. وی صریحا گفت نزدیکی به ایران برای قزاقستان دارای بهای گرانی خواهد بود. همین روش را امپریالیست آمریکا در مورد انتقال لوله گاز به هندوستان از طریق پاکستان در پیش گرفت و با تهدید مانع انجام این اقدام شد. آنها برای تصویب قطعنامه غیر قانونی اخیر بر ضد ایران و برای کسب حد نصاب آراء کشور بوسنی هرزه گوین را که متحد ایران بود چنان به زیر فشار و تهدید گذارند که آنها ناچار شدند رای خویش را عوض کنند. کسب چنین آرائی با تهدید و تمسب در هر رژیم دموکراتیکی محکوم است و نشانه اراده آزاد نیست، ولی امپریالیستها را چه باک که برای پیشبرد نیات شوم خود از هر وسیله ای استفاده کنند و نقاب دموکراسی را به چهره خویش بزنند.

عوامل انقلاب مخملی

امپریالیستها برکهای دیگری نیز در دست دارند. از چند سال پیش در فهرست اقدامات ضد بشری تضییق حقوق اقلیتهای قومی را نیز افزودند و مرتب بر روی آن توسط ناسیونال شونیستهای قومی برای این روزها تبلیغ کردند. این جریانات مشکوک و امپریالیست ساخته، مرتب نمایشات اعتراضی در ژنو و یا در مقابل پارلمان اروپا تحت حمایت از حقوق بشر مطرح می کنند که فقط از بشر، بشر خاصی را مورد نظر دارند. امپریالیستها و صهیونیستها قادر شده اند در ایران همراه با ناسیونال شونیستهای ملل اقلیت، گروههای سازمانیافته و آماده خشونت و ایجاد نفرت ملی برای ایجاد وحشت با فریادهای تجزیه طلبی بیافزینند. تبلیغات نفرت ضد فارس و جنگ ترک و فارس، فارس و کرد و یا کرد و ترک و... از این قبیلند. امپریالیستها در نظر دارند در فرصت مناسب تجربه لیبی را در مناطق مرزی ایران پیاده کنند و مقاومت دولت ایران را به عنوان کشتار قومی و جنایت علیه بشریت علم کرده تا زمینه جنگ فرسایشی را فراهم کنند. مشتی ایرانی خود فروخته و یا اتباع ممالک و یا سازمانهای جاسوسی را که می توانند به زبان فارسی؛ آذری و کردی تکلم کنند مسلح کرده به عنوان ارتش آزادیبخش ایران و سربازانی که از ارتش فرار کرده و به نیروهای آزادیبخش پیوسته اند، نظیر نمایشات مسخره سوریه تربیت می کنند تا هم دامنه جنگ داخلی گسترش پیدا کند و هم جنگ فرسایشی بدارا بکشد.

مسلمنا امپریالیستها که سابقه نفوذ طولانی در ایران داشته و از تجارب فراوان و بودجه های عظیم مالی و امکانات فنی برخوردارند، از جمله انگلیسها، فرانسویها، آلمانها و آمریکائیه و صهیونیستهای اسرائیلی، در دستگاههای امنیتی و نظامی و در دستگاههای دولتی ایران عوامل متعدد نفوذی دارند

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

جنگ فرسایشی ...

نفرت به حق اکثریت مردم کشور ما است. این رژیم قادر نیست، اعتماد مردم را برای یک مبارزه همه جانبه، طولانی و توده ای به کف آورد و در مقابل این دسایس ایران بر باد ده مقاومت کند. این رژیم از مردم کشورش بیش از امپریالیستها می ترسد. این رژیم بقدری دروغگوست که کسی نمی داند آیا در پس تهدید های وی علیه امپریالیستها، خالی بندی کامل نهفته است و یا اینکه واقعیتهای در پس این گفتارها وجود دارد. اگر این تهدیدها توخالی باشد، می تواند در زمان وقوع خطر به روحیه مردم مقاوم، صدمات جبران ناپذیری بزند و درجه مقاومت آنها را در مقابل دشمن به حداقل برساند. در ماهیت رژیم ارتجاعی و جنایتکار حاکم در ایران نیست که برای مقابله با دشمن خارجی و انقلاب مخملی داخلی، برای ممانعت از جنگ داخلی تجزیه ایران و برای کسب اعتماد مردم، به حقوق مردم و ملت های ساکن ایران احترام بگذارد، این حقوق را برسمیت بشناسد، احزاب و سازمانهای سیاسی را آزاد کند، تساوی حقوق زنان با مردان را بپذیرد، سندیکاهای کارگری را آزاد کند، سانسور مطبوعات را بردارد، حق آزادی بیان را بپذیرد، دزدان مال مردم را آشکارا محاکمه کرده و با مصادره اموالشان آنها را به مجازات در خور خویش محکوم نماید. انتخابات آزاد برگزار کند تا قادر شود سد و صف متحد و متشکلی در مقابل سیل دشمن ایجاد گرداند. این رژیم با روش خویش کارش را به بن بست کشانده است. این مردم ایرانند که باید پرچم مقاومت را برافرازند و با همدستان امپریالیسم و اخلاصگران در جبهه ضد جنگ و تجاوز مبارزه کنند. هیچ قدرتی قدرتمندتر از نیروی خلق نیست. این نیرو است که هم می تواند بجنگد، هم ایران را حفظ کند و هم ایران را بسازد. رژیم جمهوری اسلامی نمی خواهد بپذیرد که قوای کشور ناشی از ملت است و نه ولی فقیه، نمی خواهد بپذیرد که مردم موجودات عاقل و بالغ اند و قدرت تصمیمگیری داشته و دارای شخصیت مستقل بوده و مطیع و سرسپرده شخص رهبر نیستند و هرگز نخواهند بود. فقط با چنین درکی امکان دارد خطراتی که کشور ما را تهدید می کند به حداقل رساند و از حقوق قانونی کشور ایران به عنوان یک عضو رسمی سازمان ملل متحد دفاع کرد. باید سیاست راهبردی امپریالیسم جهانی را برای نفوذ در منطقه شناخت و برای مقابله با آن بسیج شد. این مقابله تنها با تکیه بر مردم ممکن است مردمی که حقوقشان برسمیت شناخته شود. هر گونه بی توجهی نسبت به این وضعیت عواقب خطرناکی برای میهن ما دارد. رژیم جمهوری اسلامی گور خود را می کند. تسخیر و اشغال ایران توسط تجاوزکاران و امپریالیستهای غارتگر و خون آشام، بزرگترین فاجعه تاریخ در نه دهه اخیر بعد از جنگ جهانی دوم و تاریخ ایران خواهد بود. تسخیر ایران پیروزی سیاست راهبردی امپریالیست آمریکا در تسلط بر منابع انرژی جهان و تولید و استخراج آن، در صد سال آینده است و جهان را یک گام بزرگ به جنگ جهانی برای تقسیم مناطق نفوذ و مواد اولیه نزدیک می کند.

تاکتیک ما در افشا دشمنان
طبیعتاً حزب ما نمی تواند به افشاء هر دسپسه

مشخص امپریالیستی که در حال تغییر و گوناگون است، بپردازد. ولی می تواند خطوط تمایزی را میان دوستان و دشمنان مردم ایران و عوامل انقلاب مخملی بکشد.

در مبارزه برای تحقق خواسته های دموکراتیک باید حتماً مبارزه دموکراتیک را با مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پیوند زد.

حقوق بشر یک دستاورد جهانشمول و معتبر است. باید با نقض آن در همه جا مبارزه کرد. باید دست ریاکارانی را که نژادپرستانه میان انسانها، در سرزمینهای اشغال شده فلسطین و بویژه نوار غزه و زندان ابوغریب و گوانتانامو و مردم عراق و افغانستان فرق می گذارند رو کرد. نقض حقوق بشر در عربستان سعودی و لیبی فرقی با نقض آن در ایران ندارد. سکوت در مقابل نقض یکی از آنها و حمایت گزینشی از حقوق بشر دشمنی با تحقق حقوق بشر است.

باید از خواسته های مردم ایران و منافع ملی ایران از جمله حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم حمایت کرد و تخریب در این دستاوردهای مردم ایران و قتل دانشمندان ایرانی، این فرزندان برجسته میهنمان را توسط تروریسم صهیونیستی محکوم نمود.

باید نقش غارتگرانه امپریالیسم را به عنوان بزرگترین تجاوزگر و جنگ طلب تاریخ بشریت، بزرگترین دشمن آزادی و دموکراسی در جهان رو کرد و دست کسانی را که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از این عفریتهای کمک مالی و حمایت تبلیغاتی می گیرند برملا ساخت. تنها از این طریق است که حکمیت ایران منفرد شده و مردم ایران به سمت ما روی می آورند و دید روشنی نسبت به دوستان و دشمنان مردم ایران پیدا می کنند.

سیاست راهبردی ...

شناخت این نقشه و برنامه امپریالیسم، اتخاذ هیچ سیاست واقعبنانه، آزادیبخش و انقلابی، حداقل در آسیا صرفنظر از سایر نقاط جهان ممکن نیست.

روزنامه آلمانی زود دوپچه تسایوتنگ مورخ ۲۰۱۱/۱۲/۱۸ می نویسد: "واقعا این نقطه عطف راهبردی، یک هدف دارد و آنهم کشور چین است. اگرچه اوباما آنرا مستقیماً بر زبان نیاورد، ولی در مرکز این سیاست نوین، چین به عنوان رقیب بالقوه آمریکا قرار دارد. مدتها در واشنگتن این ترازو، تعادل خویش را حفظ کرده بود. مهار کردن یا در آغوش کشیدن؟ روبرویی و یا سیاست توازن؟ اکنون پاسخ روشن شده است و حیرت انگیزانه صریح است و ایالات متحده آمریکا بدون تدارک دیپلماسی در قبال پکن، خود را در موضع پشتیبانی از مللی قرار می دهد که از سیاست سرکرده گرانه چین احساس خطر می کنند!"

چین بزرگترین بستانکار آمریکاست، بیش از یک بلیون دلار آمریکائی ذخیره ارزی دارد. بزرگترین خریدار اوراق قرضه های دولتی بوده و در اروپا و سایر قاره ها سرمایه گذارهای عظیم کرده و در آفریقا و آسیا به منابع مهم مواد اولیه دست انداخته

است. چین با عضویت در سازمان تجارت جهانی به بسیاری بازارهای جهان با صدور اجناس چینی که غیر قابل رقابت است، دست یافته و قشری مشترک المنافع در این کشورها خلق کرده است. چین بزرگترین رقیب سایر امپریالیستها در رقابت جهانی برای تسلط بر کره زمین است. امپریالیست آمریکا برای مهار کردن و تهدید چین به حمایت موزیانه این ملل در جنوب دریای چین و تسلط بر آبراههای تجارت جهانی در این منطقه برخاسته است. ویتنام، کامبوج و... که قربانیان بمبهای ناپالم تجاوزگری امپریالیست آمریکا در هندوچین بودند، بیکباره متحد آمریکا محسوب می شوند که باید از حقوق آنها در مقابل سلطه جوئی چینینا دفاع کرد؟! برای بی شرمی امپریالیست آمریکا، ریاکاری و دورویی حد و مرزی ندارد. در عین حال باید برای ارزیابی واقعبنانه دانست که در زیر آبهای این آبراههای مهم تجاری جهانی منابع عظیمی گاز و نفت خوابیده است. بر سر مالکیت بر این آبها و با توجه به پراکندگی ده ها جزیره پارسلسیوس و اسپراتلی میان چین و ویتنام و فیلیپین، تایوان و... اختلاف نظر وجود دارد. و این اختلاف نظر مورد بهره برداری امپریالیست آمریکا برای پیشبرد نیات شوم امپریالیستی اش در منطقه است.

این ممالک کوچک زورشان به چین قدرتمند و توسعه گر نمی رسد و رهبران چین، این سخنگویان بورژوازی نوحاسته بروکراتیک بخوبی به این واقعیت واقفند و بی جهت نیست که روزنامه چینی گلوبال تایم با لحن تهدید آمیزی می نویسد: "اگر این ممالک رفتارشان را نسبت به چین تغییر ندهند، آنوقت باید خودشان را برای غرش توپها آماده کنند." زبان زور بر منطقه اقیانوس آرام سایه افکنده است.

آمریکانیها وارد معرکه ای می شوند که از قبل وجود داشته و حال می خواهند ممالک پیرامون چین را به عنوان همدست خویش جلب کنند و در این امر مسلماً موفق خواهند بود. سیاست آمریکا در این منطقه سیاست توازن قوا به نفع خود و تهدید چین به جنگ برای حفظ سرکردگی جهانی خویش است. آمریکا قصد آن دارد در یک جنگ پیشگیرانه، چین را، تا قبل از اینکه برای اش خطرناک شود، خفه کند. سیاست آمریکا، تحریک آمیز، فرسایشی و بازدارنده پیشرفت و گسترش نفوذ چین در منطقه و جهان است. مرکز پایگاههای آمریکا از اروپا به شرق منتقل می شود. جنگ سرد نوینی در منطقه اقیانوس آرام در می گیرد که بیادآور تشنجات و تنشهای دوران جنگ سرد در اروپاست. مسلماً چینینا نیز در پی جستجوی متحد برای خویش بر خواهند آمد و در این عرصه در آسیا به روسیه و جمهوریهای آسیای میانه و ایران و پاکستان و افغانستان تکیه خواهند کرد.

امپریالیست آمریکا از نفوذ روز افزون و سر برآوردن یک چین قدرتمند می ترسد. رشد سرمایه دارانه غول آسای چین در عرصه اقتصادی و پیشرفتهایش در عرصه علوم و فناوری و نفوذ سیاسی اش در جهان، امپریالیست آمریکا را به اتخاذ یک سیاست تهاجمی در جهان علیه چین و روسیه واداشته است. مرکز تضادهای جهان به آسیا به خلیج فارس و دریای جنوبی چین... ادامه در صفحه ۶

تنها حکومت متکی بر مردم، پایدار است

سیاست راهبردی ...

منتقل می شود. در این عرصه است که سرنوشت جهان کنونی رقم خواهد خورد. ظاهراً چنین می نماید که مبارزه برای کسب سرکردگی در جهان، فرجام قطعی خویش را در آسیا پیدا می کند. جهان آستان حوادث خونینی است.

اوباما این برنده جایزه مصلحتی صلح، سخنرانی بسیاری صریح و تهدیدآمیزی ارائه داد که هر عبارت آن پر معنا و از هر واژه آن بوی جنگ و خون می آمد. امپریالیست آمریکا تنها به ترسیم سیمای سیاسی این منطقه و حد و مرز تحمل آمریکا اکتفا نکرد، بلکه سیاستهای عملی فعالی نیز برای محاصره چین و تسلط بر شاهراههای آبی منطقه و تنگه های آبی راهبردی و یارگیری منطقه ای و ایجاد همکاری و اتحادهای نظامی ضد چینی در پیش گرفت.

اوباما گفت: "آینده ای که ما در منطقه آسیای دریای آرام در پی آن هستیم: امنیت، آسایش و حیثیت برای همگان است"!!! وی اضافه کرد "برای این کار آماده ایم، ما با این عقایدیم. باشد که هیچکس به توهم دچار نشود. در منطقه آسیا-اقیانوس آرام قرن بیست و یکم، ایالات متحده آمریکا با تمام قوا حضور خواهند داشت".

آنچه که اوباما تحت عنوان **امنیت، آسایش و حیثیت** مطرح می کند در حقیقت مبارزه با چین و روسیه از طریق محاصره نظامی آنها، ایجاد امنیت آبراههای دریایی (یعنی امنیت-توفان) برای تجارت آزاد متحدین آمریکا و ایجاد موانع برای کشتیهای تجاری چینی (یعنی آسایش-توفان) و مسئله مبارزه ایدئولوژیک برای خلع سلاح چین در عرصه حقوق بشر (یعنی حیثیت-توفان) است. تحقق مناسبات سرمایه داری و نابودی سوسیالیسم در چین، میانی قابل قبولی برای امپریالیستها بخاطر دوستی با چین نبوده و ماهیتا نیست و نمی تواند باشد. تضاد میان امپریالیستها بر سر غارت جهان می تواند حتی تضاد با سوسیالیسم را تحت الشعاع قرار دهد. زیرا امپریالیسم همیشه سرمشء جنگ بوده و هست. رشد سرمایه داری و صدور آن، پایان سوسیالیسم در چین است و در این عرصه آمریکا موفقیت خویش را جشن می گیرد، ولی برای آمریکا یک چین امپریالیستی ضعیف و تحت نفوذ و سلطه آمریکا به مراتب با ارزشتر است، تا یک چین قدرتمند امپریالیستی که در آینده رقیب قدرتمند و موی دماغ آمریکا در غارت جهان در سراسر قاره هاست. پس امپریالیست آمریکا تلاش می کند، قدرت سیاسی متمرکز چین را که تضمین کننده استقلال چین و ضامن توانائی ها و ظرفیتهای چین و عامل مهم پیشرفت مستقل آنها در شرایط مشخص چین و جهان است، با اسلحه مبارزه با حقوق بشر و ایجاد یک فضای ضد چینی تضعیف کند. ایجاد ستون پنجم در چین در تحت لوای حمایت از حقوق بشر در تکمیل سیاست یکه تازی امپریالیسم آمریکا در جهان و محاصره نظامی چین است. امپریالیستها، در سراسر جهان، در عرصه مبارزه نظری و جنگ روانی از "حقوق بشر" یک ابزار مبارزه سیاسی می سازند تا **منویات ضد بشری و تجاوزکارانه**

خویش را با فریب افکار عمومی به تحقق در آورند. یک پایگاه اینترنتی در این باره می نویسد: "اوباما با متحمل شدن شکست های پی در پی در عرصه های جنگ قدرت در سطح جهان و ناتوانی در مقابله با مشکلات اقتصادی در مقایسه با کشورهای که از نظر اقتصادی ضعیف تر هستند، سیاست محاصره و تحریک را در مقابل چین - دومین اقتصاد بزرگ جهان و بزرگترین بستنکار آمریکا- و روسیه - اصلی ترین فراهم کننده نفت و گاز اتحادیه اروپا- در پیش گرفته است". این مبارزه در سه زمینه **امنیت، آسایش و حیثیت** به پیش می رود.

تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیست آمریکا، مردم آن کشور را برای جنگ جدید، شستشوی مغزی داده و آماده می کند. مطابق آمار که منتشر شده ۴۷ درصد مردم آمریکا چین را یک خطر مهم نظامی و ۶۳ درصد آنها چین را یک خطر اقتصادی می بینند. در تبلیغات انتخاباتی، مشکل بحران سرمایه داری در آمریکا را به گردن چینیا می اندازند که گویا شامل عملیات تجاری آنها و خرید و فروش و بازی دستکاری شده با نوسانات ارزی به بهائی بیش از ارزش واقعی آن صورت می گیرد.

در این سخنرانی اوباما تأکید کرد که بر ضد نقض حقوق بشر در چین آشکارا دست به اعتراض خواهد زد. وی عوامل فریبانه و بدون احساس شرم و حیا اظهار داشت: "تاریخ در صف آزادگان یعنی اجتماعات آزاد، دولتهای آزاد، اقتصادهای آزاد و خلقهای آزاد ایستاده است". این عبارات را فردی می گوید که دستش تا آرنج به خون مردم افغانستان، عراق، فلسطین و لیبی و سوریه آلوده است. فردی است که می خواهد مانند نتانیاهو از ایران نوار غزه دوم بسازد و میلیونها ایرانی را به قتل برساند. آزادی مورد پذیرش امپریالیسم، آزادی تجاوز و غارت و آزادی در نقض حقوق بشر و ملل است. امپریالیسم بدنبال آزادی دستهای بازش، برای جنایت و جنگ و غارت است.

وی گفت: دوران مبارزاتی که تحت تأثیر ۱۱ سپتامبر با اشغال عراق و افغانستان وجود آمده بود، به پایان رسیده است و اکنون باید ما نظر خویش را به منطقه اقیانوس آرام در آسیا معطوف کنیم: "ما آینده را در اینجا می بینیم. این یک حقیقت بنیادی است که ایالات متحده آمریکا یک ملت متعلق به منطقه اقیانوس آرام بوده و در آینده هم خواهد ماند"، "ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ملت متعلق به این منطقه نقش درازمدت و بزرگی را در شکل دادن به منطقه و آینده اش بازی خواهد کرد". وی با کنایه به چینی ها، اشاره کرد: برای آمریکا در درجه اول امنیت منطقه مطرح است و باید آزادی کشتیرانی در دریای جنوبی چین تضمین شود. وی اضافه نمود: "منافع پایدار ما در منطقه آسیا - اقیانوس آرام حضور مداوم ما را در این منطقه می طلبد. آمریکا از هم اکنون یک قدرت در اقیانوس آرام محسوب می شود و ما در این منطقه می مانیم. با پایان گرفتن جنگ ها در افغانستان و عراق تمرکز تیم امنیت ملی به حضور و مأموریت در آسیا

- اقیانوس آرام معطوف خواهد شد. بنابر این کاهش هزینه های دفاعی آمریکا شامل هزینه ها در آسیا - اقیانوس آرام نمی شود".

روزنامه زود دوپچه تسایوتونگ آلمانی از اوباما در رابطه با سیاست آتی اش در اروپا، چنین نقل کرد: "در حالیکه ما به جنگهای امروز پایان می دهیم دستور دادم که حضور و مأموریت ما در منطقه اقیانوس آرام-آسیا بزرگترین اولویت را داشته باشد. آنچه تا به امروز رامشتاین در اروپا بود داروین در استرالیا خواهد بود و این تازه اول کار است" (روزنامه آلمانی زود دوپچه تسایوتونگ ۲۰۱۱/۱۲/۱۸).

به سخن دیگر امپریالیست آمریکا نیروهای خویش را در اروپا کاهش خواهد داد و بخشی از آنها را به آسیا و اقیانوسیه منتقل خواهد کرد و به طور مشخص در استرالیا مستقر خواهد گردانید. روزنامه ها نوشته اند: "ماهیت دقیق آنچه که اوباما از آن به عنوان حضور و مأموریت نام برد، توافق نظامی جدید با استرالیا برای اعزام ناو های جنگی، جنگنده ها و ۲۵۰۰ تفنگدار دریایی به شهر داروین استرالیا- در نزدیکی چین - است". این پایگاه تازه ترین پایگاهی است که در شبکه پایگاههای زنجیره ای امپریالیست آمریکا، در عرصه جهانی جای گرفته است. این اقدام آمریکا نخستین گسترش نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس آرام بعد از جنگ ویتنام است. اوباما تکیه می کند که: "ما آمده ایم برای اینکه اینجا بمانیم". چنینها فرورا با واکنش خویش این اقدام آمریکا را نامناسب خواندند و دولت اندونزی نسبت به استقرار تفنگداران دریایی ایالات متحده در استرالیا هشدار داد و با اشاره به تلاش های آمریکا و چین برای نفوذ در آسیا، این اقدام را عاملی برای ایجاد تنش در منطقه دانست. وزیر امور خارجه اندونزی در اجلاس سران کشورهای جنوب شرق آسیا، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا معروف به "آ.سه.ان" (ASEAN) با ابراز نگرانی در این خصوص گفت: "چنین تحولاتی به بروز واکنش هایی می انجامد که منجر به ایجاد دور باطل تنش ها و در پی آن بی اعتمادی ها خواهد شد".

اعتراض کشورهای واقع در دریای جنوبی چین به اینجا ختم نمی شود. وزیر اور خارجه سنگاپور بیان کرد که نباید ممالک آ.سه.ان. درگیر مناقشات دولتهای بزرگ شوند. نخست وزیر مالزی که با دولت چین در خصوص دریای جنوبی چین اختلافاتی دارد، بیان کرد از هیچگونه توسعه نظامی که باعث تضعیف امنیت منطقه ای شود حمایت نمی کند.

تنها کشوری که در کنار استرالیا از سیاست آمریکا صریحا استقبال کرده دولت دست نشانده فیلیپین است که نقش واشنگتن در **ترویج صلح، ثبات و رفاه در منطقه را ستوده است!!!؟؟**

گفته می شود که دولت چین آهنگ آن دارد، حاکمیت خود را بر تمامی دریای جنوبی این کشور به نمایش بگذارد، این بدان معناست که این حاکمیت به تمام آبراههای تجاری کشتیرانی بین المللی در این منطقه نیز گسترش می یابد و با منافع ممالکی در این گذر نظیر ویتنام، فیلیپین، ... ادامه در صفحه ۷

زنده باد همبستگی ملی خلقهای ایران، برقرار باد جمهوریهای شوروی سوسیالیستی در ایران

سیاست راهبردی ...

تایوان، برونی و مالزی برخورد خواهد کرد. این ممالک پیرامونی همگی نسبت به منابع زیرزمینی نفت و گاز این منطقه ادعای مالکیت دارند. سایت خبری شین هووا از چین می نویسد که در نشست آ. سه. آن. اختلافات ارضی در دریای جنوب چین به موضوع مهمی تبدیل خواهد شد. یک استاد مطالعات جهانی در دانشگاه علوم مالزی با اشاره به ارتباطات بسیاری از کشورهای آسیا-آ. سه. آن. با آمریکا، اظهار داشت این روابط باعث شده که این کشورها هزینه های هنگفتی برای تجهیزات نظامی از ترس چین بپردازند و عملاً بر اساس اهداف آمریکا به سمت نظامی شدن پیش بروند.

از همین حالا دولت فلیپین با حمایت آمریکا، تلاش می کند که اعضاء این سازمان را برای حمایت ارضی به شکل متحد به مقابله علیه چین بکشد. همانگونه که اشاره کردیم، امپریالیست آمریکا در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ سه سیاست مهم در یک بسته اتخاذ کرد که عواقب راهبردی عمیقی برای قدرت های در حال رقابت در سطح جهان در پی دارد. اوپاما سیاست محاصره نظامی چین بر پایه استقرار نیروی دریایی و ناوگان هوایی در سواحل نزدیک چین و محدود کردن و همچنین ایجاد اختلال در دسترسی چین به بازارهای جهانی و روابط تجاری و مالی در آسیا را با ایجاد جنگ روانی دفاع از حقوق بشر در داخل خاک چین در پیش گرفته است. اظهارات اوپاما مبنی بر اینکه آمریکا به دنبال گسترش قوای نظامی خود در آسیا و همچنین در پی یافتن هم پیمانان اقتصادی در این قاره است به نوعی مورد چالش قرار دادن چین در حیاط خلوت خود معنی می دهد.

امپریالیست آمریکا در راستای همین سیاست محاصره چین به بهبود روابط خویش با ویتنام، کامبوج، لاوس، میانمار، اندونزی و مالزی پرداخته است. بیکباره رژیمهای مستبد سابق گربه های عابد و زاهد شده اند. خانم سان سوچی با نقشی مشکوک، در میانمار از حبس خانگی در آمده و دولت میانمار با آزادی ۲۰۰ زندانی سیاسی و رفع سانسور مطبوعات برای خالی نبودن عریضه، ولی در اساس با تمکین از آمریکا بعد از سفر دخالتگرانه و بی شرمانه خانم کلینتون به میانمار، برای لغو قرار داد دوجانبه با چین مبتنی بر ساختمان یک سد حیاتی در میانمار به دوست "دموکرات" امپریالیست آمریکا بدل شده است. دولت آمریکا با فشار، بر دولت قانونی میانمار بی شرمانه این خواست را تحمیل کرده تا آنها روابط "غیرقانونی" خویش را با جمهوری دموکراتیک خلق کره قطع کنند و پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای را امضاء نمایند. این درخواستها ظاهراً مورد پذیرش حکام میانمار قرار گرفته است. خانم کلینتون بی شرمانه مدعی شده است که هدفش از سفر به میانمار و ملاقات با سان سوچی و تاین زاین رهبر میانمار اقداماتی برای دور نگه داشتن میانمار از چین نیست، "مسئله بر سر این نیست که مخالف کشوری باشیم. مسئله ما این است از این کشور (منظور میانمار است-توفان) حمایت کنیم". این سخنان را خانم کلینتون زمانی می

زند که اوپاما چهار هفته قبلاً اعلام کرده بود که قصد دارد در آسیا فعالیتش را تشدید کند و متحدین جدیدی پیدا نماید و بعد از تلفن با خانم سان سوچی اعلام کرد: وزیر امور خارجه آمریکا را به میانمار می فرستد. اگر این اقدامات تهدید و شانتاژ و دخالت در امور داخلی کشورها، با تکیه بر زور و گردن کلفتی نیست، چه اسمی باید بر آنها گذارد؟

وزیر خارجه آمریکا در این منطقه در گشت و گذار است تا متحدین پر و پا قرص پیدا کند و چین را مورد تهدید و فشار قرار داده و خفه نماید. هیلاری کلینتون در متن همین سیاست به پشتیبانی از کشورهای - ویتنام، فلیپین و برونی در دریای چین جنوبی پرداخته که با چین بر سر مرز دریایی مناقشه دارند. علاوه بر این واشنگتن روابط نظامی خود و فروش تسلیحات نظامی به ژاپن، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی را افزایش داده است. آمریکا همچنین زیردریایی های هسته ای خود را به آب های منطقه گسیل داشته است و جنگنده های آمریکایی نیز بر فراز آب های ساحلی چین مشغول مانور و پروازند. در راستای سیاست محاصره نظامی، اوپاما و کلینتون در حال تقویت آن توافق نامه های تجاری در آسیا هستند که شامل چین نمی شود. حضور اوپاما در اجلاس آپک، سازمان همکاری های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (APEC) و همچنین سفر او به اندونزی در نوامبر سال ۲۰۱۱، همگی در جهت افزایش استیلا امپریالیست آمریکا در آسیا محسوب می شوند. واضح است که تحرکات اقتصادی و نظامی و مواضع ضد چینی در کنگره آمریکا همگی در جهت تضعیف موقعیت تجاری چین است.

از همین حالا دولت فلیپین تلاش می کند که اعضاء این سازمان را برای حمایت ارضی به شکل متحد به مقابله علیه چین بکشد.

تبلیغات امپریالیسم آمریکا علیه رقیب چینی اش، از زمان نگارش اثر ساموئل هانتینگتون بنام "برخورد تمدنها" شکل دیگری بخود گرفت. با فروپاشی امپراتوری شوروی و ظهور چین با پرچم رویزیونیستی "تنوری سه دنیا" و گام گذاری در راه احیاء سرمایه داری و نفی دیکتاتوری پرولتاریا در قدرت سیاسی، امپریالیستهای آمریکا به خطر چین به عنوان رقیبی با ظرفیتهای بالقوه و توانیهای بی اندازه به عنوان امپریالیستی رو به رشد پی بردند. از آن تاریخ تحریکات علیه چین برای تجزیه آن کشور از جانب ثبت و یا در شمال غربی در مناطق مسلمان نشین آغاز شده است. در ایران نیز از جانب ستون پنجم آمریکا تلاش می شود شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل را با شعار مرگ بر چین و روسیه که هر دو رقیب امپریالیست آمریکا هستند، جایگزین کنند و مشتکی ایرانی فریب خورده نیز بدون تعمق و معرفت به اهمیت سیاسی و راهبردی این تبلیغات خدعه گرانه، در دام امپریالیستهای غربی می افتند و نمی توانند با توجه به مصالح مردم کشور ما، سیاست متناسب با وضعیت کنونی سیاسی جهانی را انتخاب کنند. این واقعیت همه دانسته ای است که سیاست چین و روسیه، بهر صورت و بطور عینی، بر اساس منافع خودشان در مخالفت با

تحریمها و تجاوز بربرمنشانه به خاک ایران و نابودی کشور ما است. این سیاست مقاومت دو نیروی قدرتمند و رقیب امپریالیستهای غرب، بهر صورت به نفع کشور ما ایران خواهد بود. عقل سالم حکم می کند که نیروهای اپوزیسیون سالم و انقلابی و مخالف تجاوز به ایران و قتل عام مردم کشور ما، بدون کنمان ماهیت امپریالیستی چین و روسیه با این دول برخوردی صحیح داشته، زیرا مصالح سیاسی کنونی ایران چنین سیاست آگاهانه ای را ایجاب می کند. دشمن ترشی کار ساده ای است، دوست یابی و متحد یابی کار پیچیده و دشواری خواهد بود. خوب است توجه کنید که از دهان این ستون پنجمی ها هرگز شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را دیگر نمی شنوید. اگر باشند کسانی که شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را با شعار مرگ بر چین و مرگ بر روسیه در وضعیت کنونی تکمیل کنند، می توان بر این عده، مهر بی خبران و گمراهان سیاسی را زد که علیرغم نادانی سیاسی در صمیمیتشان تردید نیست. ولی کسانی که همراه با خانم هیلاری کلینتون و در راستای سیاست امپریالیست آمریکا پای چین و روسیه را به میدان می کشند، هوادار تجاوز امپریالیستها به ایران، هوادار تحریم اقتصادی مردم ایران و ساختن نوار غزه دومی از ایران هستند. این عده مسلماً دشمن مردم ایرانند و باید دستشان را رو کرد.

برگذاری کنفرانس بین المللی ...

فعالیتهای انقلابی میان مردم بخصوص طبقه کارگر پرداختند.

در این رابطه حزب کار ایران با شرح مختصری از انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی بهمن ۵۸ دوران کوتاه مدت دموکراسی در آن زمان، رشد سازمانهای ما، علیرغم انشعابات قبل از آن و هم چنین رشد سازمانهای صنفی و سیاسی دیگر و سپس سرکوب آزادیهای دموکراتیک توسط جمهوری اسلامی با کمک رویزیونیستهای حزب توده و سازمان فدائیان خلق و در نتیجه رکود مبارزات و قلع و قمع سازمانهای انقلابی، به لزوم مبارزه برای دموکراسی و ضرورت دموکراسی برای جنبش کارگری و پیوند کمونیستها با طبقه کارگر در شرایط استقرار دموکراسی پرداخت.

حزب در مورد تقلبی بودن انتخابات در ایران و اینکه انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی همیشه تقلبی و بر اساس دروغ و ریاکاری بوده است توضیح داد و اشاره کرد که در این میان دو جناح حاکمیت بجان هم افتاده اند. ولی مبارزات دموکراتیک مردم ایران بعد از ۲۲ خرداد یک مبارزه با خواستهای دموکراتیک بوده و ربطی به دعوی حاکمیت ندارد. بر سر کسب رهبری این مبارزات نیز مبارزه سختی در گرفته است. مبارزه اخیر مردم ایران بیان خواستهای سرکوفت خورده مردم ایران در بعد از انقلاب بهمن است. مردم ایران از هر فرصتی برای اعلام مخالفت خویش با این رژیم استفاده می ... ادامه در صفحه ۸

دسیسه های امپریالیستها و صهیونیستها بر ضد جنبشهای دموکراتیک در ممالک عربی محکوم است

اسلامی برای اسرائیل در بمب اتم نیست، در ناامن کردن اسرائیل است یعنی همین و ...
دیپلماسی ایرانی - موساد: دستیابی ایران به بمب اتم موجودیت اسرائیل...
www.irdiplomacy.ir/ موساد: دستیابی. ایران به - ...

موساد: دستیابی ایران به بمب اتم موجودیت اسرائیل را تهدید نمیکند. تامیر پارادو رئیس سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) اعلام کرد که تأویب از راههای مختلفی ...
ده حقیقتی که در مورد سلاح هسته ای نمی دانیم:
تردید - tardid.net/?p=1892
 با توجه به این نکته که پاکستان، هند، و کره شمالی اعلام کرده اند سلاح هسته ای دارند، عدم عضویت اسرائیل در این ...

جهان نیوز - بمب اتمی "اسرائیل" بزرگترین تهدید برای منطقه است

www.jahannews.com/vdcaawny.49na615kk4.html

رژیم صهیونیستی از اظهارات سخنگوی وزارت خارجه مصر به شدت برآشفته شد. به گزارش سرویس بین الملل "...

7 پیامد بمب اتم ایرانی برای اسرائیل!
www.asriran.com/.../7-پیامد-بمب-اتم-ایرانی-
 بر - ...

۷ پیامد بمب اتم ایرانی برای اسرائیل! اولین مورد این است: روند مهاجرت به اسرائیل معکوس خواهد شد و والدین فرزندان خود را تشویق خواهند کرد که از اسرائیل به نقطه ای ...

مرگ پایان زندگی نیست ...

می تواند "خاوران"ی شود که صاف کردن قبور آن دیگر مقدر نخواهد بود. دست به دامن شهردار و کلیسا شدند و آنها در خطابه های خویش چنین گفتند: مرگ پایان زندگی است. بدی ها و خوبی ها در این محل به پایان می رسد و باید مردگان را به حال خود گذارد و بر "گناهان" آنها قلم بخشش کشید. آنها به آن برافروختگان رسانه های گروهی گفتند: در عفو لذتی است که در انتقام نیست، به خود آئید و آرامش گورستان و احترام به اموات را پاسداری کنید. کینه ها را در این مکان مقدس به خاک بسپارید تا در آینده همین روش در روند زندگیتان، گریبان خودتان را نگیرد. جمعیت برافروخته به خود آمد و به خانه های خود بازگشت و مراسم تدفین انجام شد.

ما کمونیستها مرگ را پایان همه چیز نمی دانیم. هستی به اشکال دیگر ادامه می یابد و افکار همیشه زنده اند و به نسل دیگر منتقل می شوند. رفیق استالین در میان ما نیست، ولی افکارش همیشه زنده و پایدار می ماند.

در کشور ما وضع به گونه ای است که حتی بعد از مرگ نیز خانواده ها در امان نیستند و احساس امنیت نمی کنند. آرامش مردگان در گورستان، به بهای سرکوب زندگان تمام... ادامه در صفحه ۹

حزب کمونیست اکوادور مارکسیست لنینیست
 حزب کمونیست کارگران فرانسه
 حزب کمونیست اسپانیا مارکسیست لنینیست
 حزب کمونیست کلمبیا مارکسیست لنینیست
 حزب کمونیست کارگران تونس
 حزب کمونیست انقلابی ترکیه
 جنبش احیاء دوباره حزب کمونیست یونان
 حزب کمونیست کارگران دانمارک
 خط مشی کمونیستی ایتالیا
 حزب کمونیست مکزیک مارکسیست لنینیست
 سازمان مارکسیست لنینیستی انقلابی نروژ
 حزب کمونیست کار جمهوری دومینیک
 حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ونزوئلا
 حزب کمونیست انقلابی ولتائیک (بورکینافاسو)
 حزب کار ایران (توفان).

جستجوگر گوگل ...

گوگل دریافت کرد. شما خواننده عزیز نیز می توانید به دنبال عبارت "**بمب اتمی اسرائیل**" بگردید و مطمئن باشید در درجه نخست اسنادی جعلی در مورد ایران می یابید و پس از کوششهای بیشتر مدرکچه ای هم در مورد اسرائیل برای "حفظ جنبه بی طرفی" به شما ارائه می دهند. همین یک نمونه ماهیت دموکراسی و ادعاهای امپریالیستها و صهیونیستها و ایرانیان خودفروخته و فریب خورده و نادان را روشن می کند. به فهرست جعلی عرضه شده گوگل در این تاریخ در زیر نظری افکنید:

" برنامه هسته ای ایران - ویکیپدیا

fa.wikipedia.org/wiki/fa:برنامه_هسته_ای_ایران

گیدئون فرانک، رئیس کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل در گفتگویی با سفیر وقت ... پدر بمب اتمی پاکستان دستگاههای سانتر فیوز ...
 تهدید اسرائیل؛ با بمب علیه بمب اتمی؟ | ایران | Deutsche Welle ...
www.dw-world.de/dw/.../0,,15514010,00.html
 ۶ نوامبر ۲۰۱۱ - قرار است مدارک جدیدی عرضه شود دال بر اینکه ایران بزودی قادر به تولید بمب اتم است. رئیس جمهور اسرائیل...

ما بمب اتم برای محو اسرائیل می خواهیم |

Facebook www.facebook.com/...
 اتم... اسرائیل - .../178...

ما بمب اتم برای محو اسرائیل می خواهیم | Facebook ... To interact with ما بمب اتم برای محو اسرائیل می خواهیم ...

بمب اتم اسرائیل بر ضد ایران نیست | چراغ آزادی

cheragheazadi.org/index.php/archives/18
 13 -

۲۲ دسامبر ۲۰۱۱ - بمب اتم اسرائیل بر ضد ایران نیست. ♦ علیرضا موسوی. امتیاز دهید. VN:F 1.9 [۱۱۴۱]. لطفاً صبر کنید.....

نسخه چاپی ghasednews.ir -

www.ghasednews.ir/fa/print/13744

۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ - نوری زاده: خطر جمهوری

برگزاری کنفرانس ...

کنند. حزب در عین حال توضیح داد که چگونه در غیاب یک حزب قدرتمند و پرنفوذ کمونیستی در ایران سازمانهای ارتجاعی صهیونیستی و امپریالیستی با طرح شعارهای انحرافی تلاش می کنند، رهبری مبارزه را به کف آورده و جنبش مردم ایران را به کجراه بکشاند. حزب بر شرکت کمونیستها در این جنبش و پشتیبانی از آن تاکید ورزید.

حزب همچنین خاطر نشان ساخت که مبارزه دموکراتیک بخشی جداناپذیر از مبارزه ضد امپریالیستی است و دولت فاشیستی مذهبی جمهوری اسلامی با سرکوب این مبارزات، ناچار است برای ادامه حاکمیت خود دیر یا زود با امپریالیستها همگام شود.

در این رابطه کنفرانس قطعنامه ای در جهت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران باتفاق آراء تصویب نمود که در زیر متن آنرا ملاحظه می کنید.

کنفرانس در پایان کار خویش به اتخاذ تصمیمات و قرارداتی برای سال آینده پرداخت و کمیته هماهنگی جدیدی انتخاب نمود.

از جمله تصمیم به برگزاری یا تجمع جوانان در یکی از ممالکی بود که رفقای احزاب برادر در آن توان برگزاری و سازماندهی آنرا دارند.

حزب کمونیست کلمبیا از اعضاء کنفرانس دعوت کرد که برای بازدید از پیروزیها و پیشرفتهای حزب در کلمبیا به مناطق آزاد شده و پایگاههای حزب در این مناطق سفر کنند.

قطعنامه برای پشتیبانی از مبارزات اعتراضی در ایران

ما پشتیبانی خویش را از مطالبات عادلانه خلق ایران و نبرد مترقی مردم ایران برای استقرار یک ایران دموکراتیک اعلام می کنیم. ما بر این عقیده ایم که این فقط وظیفه مردم ایران است رژیم دیکتاتوری را در ایران سرنگون کند.

با توجه به دروغهایی که بر خلاف مصلحت خلق ایران شایع می شوند، با توجه به سیاست تجاوزکارانه و جنگ طلبانه امپریالیستها برای تقسیم جهان ما مخالف دخالت و دسیسه های قدرتهای امپریالیستی و صهیونیستی در ایران هستیم.

ما همزمان شکنجه ها، تجاوزات و کشتار معترضین توسط دستگاه خشونت بربرمنشانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرده و آن را یک اقدام جنایتکارانه ارزیابی می کنیم.

ما معتقدیم که مبارزه دموکراتیک خلقهای ایران بخشی جدا ناپذیر از مبارزه ضد امپریالیستی است. رژیم هائیکه به مردم خود احترام نمی گذارند و خواسته های عادلانه و دموکراتیک آنها را لگدمال می کنند دیر یا زود به دامن امپریالیستها پناه می برند.

زنده باد مبارزه خلق ایران برای کسب حقوق دموکراتیک.

زنده باد مبارزه طبقه کارگر ایران برای استقرار یک ایران سوسیالیستی.

حزب کمونیست انقلابی برزیل

بر ضد تجاوز و محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیسم و صهیونیسم بپاخیزیم

مرگ پایان زندگی نیست ...

می شود. زندگانی که باید با فشار و تهدید و اختناق، در زمان حیات، آرامش گورستان را بپذیرند. رفیق "کاظم" با نام مستعارش سالها بر ضد رژیم ستم شاهی جنگید و خم بر آبرو نیآورد و بعد از انقلاب نیز در صفوف پاران طبقه کارگر گام زد و تا آخرین روز زندگی به راه رهائی طبقه کارگر وفادار ماند. رفیقی ارزنده، میان سال، کمونیستی مومن، مبارزی خستگی ناپذیر، زندانی سیاسی مقاوم و متعهد و پایدار، با دانش، پرتوان، دارای تجارب علمی و میهن دوست، مورد احترام مردم شهر و کارگران کارخانه های شهر، مرجع زحمتکشان و دلسوز آنها به ناگهان ما را ترک می کند، شهر برایش آذین می بندند و در فراقش سوگواری می کنند، ولی خانواده اش قادر نیستند بگویند وی "توفانی" بود و زندگی را در راه رهائی زحمتکشان گذارد. خانواده اش، فرزندان هراس دارند تا از افتخارات پدر سخن گویند و بیان کنند احترامی که شهر و کارگران به وی می گذارند ریشه در کمونیست بودن این "توفانی" دارد. وی همواره برای مردم میهنش، برای رهائی زحمتکشان مبارزه می کرد، منافع جمع را به منافع فرد ترجیح می داد و به این جهت مورد تمجید و ستایش زحمتکشان بود. زحمتکشان با شم طبقاتی خود بخوبی قادرند دوستان و دشمنان خویش را بشناسند. در عجب دنیای تیره و تاری زندگی می کنیم که مرگ نیز "پایان" زندگی نیست، آغاز و ادامه سرکوب و خفقان است و انسانها نمی توانند به میل خود از عزیزان خویش تجلیل کنند. رفیق "کاظم" در میان ما نیست، ولی سنگینی خفقان دولتی حضور دارد و فکر کردن را ممنوع اعلام می کند. در عجب دنیای تیره و تاری زندگی می کنیم که مردگان با زندگی مستعار به خاک می روند و زندگان باید تظاهر به زندگی طبیعی کنند و بر نبوده ها و نه بوده ها دلخوش کنند و چهره بیاریند.

روزی که انقلاب ایران رژیم جمهوری اسلامی را در گورستان تاریخ به خاک بسپارد، ما نیز باز خواهیم گشت و ترا رفیق عزیز ستایش خواهیم کرد و به افکارتحقق می بخشیم. سنگرها هیچوقت خالی نمی مانند. به مناسب درگذشت این رفیق شعری را که بیادش سروده شده در زیر درج می کنیم.

به یاد یک رفیق

دیدار ما کوتاه بود

ولی من قبل از دیدار،

با رنگ صدايت آشنا بودم.

من ترا ندیده می شناختم
و امواج سرخ صدايت را،
در ذهنم می دیدم.

آن زمانی که دهان ترا می دوختند
من صدای تو را به عاریت گرفتم
و سرخی رنگش را در گوش ها خواندم.

آهنگ صدای تو سخن از گذشته های دور داشت
و نوازش آرام آن،

تجسم دلآوری های دیرین بود.

سرخي صدايت را تو خود به ارث برده بودی
و آنگاه که سخن نمی گفتی،
من فریاد خشم خاموشی ات را می شنیدم.

باغچه صدای تو بار دیگر شکوفه خواهد داد
و بوی عطر آن،
فضای آزادی را پر خواهد کرد.

قاب عکس صدای تو در طاقچه خیال من باقی است
و من آواز فروغ را،
همیشه بیادت زمزمه خواهم کرد:

"تنها صداست که می ماند"

"تنها صداست که می ماند"

ر. د. م. فوریه ۲۰۱۱

از یاری مالی شما سپاسگزاریم

رفقا، دوستان، هموطنان و خوانندگان توفان.

حزب کار ایران(توفان) تشکلی متکی به نیروی خویش و هوادارانش است. وسعت فعالیت ما به یاری مساعدت مالی شما وابسته است. حزب ما هرگز در طول زندگی سیاسی خویش از هیچ دولت و مرجعی کمک مالی دریافت نداشته و نخواهد داشت، زیرا بر این عقیده بوده است که احزاب سیاسی باید اساسا با تکیه بر نیروی خویش و مردم میهنشان کار مبارزه سیاسی را به پیش ببرند. دراز کردن دست دربروزگی در پیش دشمنان مردم ایران، بهر بهانه فریبکارانه، همواره عواقب نامطلوبی بدنبال داشته که نقض غرض هر فعالیت سیاسی برای آزادی، استقلال و دموکراسی در ایران است. بسیاری از آزادیخواهان و کمونیستها ما را در این راه یاری کرده اند. در زیر صورتی از دریافتهای مالی را به اطلاع شما و رفقای کمک کننده می رسانیم. بسیار متشکریم.

رفیق ا.پ. ۵۰ یورو

رفیق خارکن ۱۰ یورو

رفیق خارکن ۲۰ یورو

رفیق مقص. ۱۰ یورو

رفیقی از فنلاند ۳۰ یورو

رفیقی از فنلاند ۱۰ یورو

رفیق بهرنگ ۴۰ یورو

رفیقی از آلمان ۵۰ یورو

شبکه های اجتماعی ...

زیرا به هر که در اطراف خویش نگاه می کند "دشمن" است. و در عین حال مردم به نیروی خویش پی می برند و ضعف دشمن را به چشم می بینند. در فراخوان بعدی که تبلیغات فیس بوک با تبلیغات دهان بدهان تکمیل شده، مردم مصمم تر و با هراس کمتر و با تعداد بیشتر و سازمانیافته تر به میدان می آیند. خود نفس شرکت ده ها میلیون نفر مخالف رژیم در شهرهای بزرگ ایران، نیروی سرکوب رژیم را هراسناک ساخته و ماشین سرکوب ترک بر می دارد و ریزش می کند. تجربه زمان شاه در مقابل ماست. بی جهت نیست که سایت امنیتی

"بولتن نیوز" این گونه برنامه های تفریحی را جنگ نرم سازماندهی شده از جانب جنبش سبز توصیف کرده است. در شرایط استبدادی و سرکوب نمی توان جلوی ابتکارات و استعدادهای بیکران مردم را گرفت، زیرا علت این شرایط در بطن استبداد نهفته شده است. در جامعه ای که انتخاباتش تقلبی است، مطبوعاتش سانسور می شوند، دروغ حکومت می کند، فساد مانند قانقاریا تمام کاخ استبداد را در بر گرفته است و مافیای حکومت است. احزاب قدغن بوده و زندانها از زندانیان سیاسی پر است، حقوق بشر به زیر پا گذارده می شود و قصاص بجای قوانین عرفی حکومت می کند، امنیت از کشور رخت بر بسته و اوباشان زمام حکومت را بدست گرفته اند، امکان ندارد رژیم جمهوری اسلامی بتواند در عرصه نبرد سایبری پیروز شود. باخت این رژیم از هم اکنون روشن است و این آن واقعی است که اصلاح طلبان در ایران فهمیده اند. اگر رژیم به اصلاح طلبان تسلیم شود بقاء خویش تداوم می بخشد وگرنه دیر یا زود باید با طغیان جدیدی در ایران روبرو شود که می تواند از اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه شروع شود و با به خودسوزی یک جوانی در تهران. جامعه ایران بسرحد انفجار رسیده است و بر این متن فیس بوک می تواند با تبلیغ سیاست معینی نقش بسیار مترقی و سازنده و یا خرابکارانه ای ایجاد کند. همه چیز بر می گردد به رهبری این مبارزه و اعتماد عمومی و درجه رشد فکری مردم.

در سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی فیلم مستندی تهیه کرد بنام "هیولایی بنام فیس بوک، که در تلویزیون ایران نمایش داده شد و در آنجا "ازکربرگ" بنیان گذار فیس بوک، جاسوس صهیونیست ها معرفی شد. البته این حقیقت همه دانسته است که زاربرگ یهودی آمریکائی است، ولی این بخودی خود مسئله ساز نیست. وقتی رژیم جمهوری اسلامی به چنین ابزاری برای حقانیت خویش متوسل می شود، فقط عجز خویش را نشان می دهد. فقط نشان می دهد که فاقد سیاست راهبردی برای مقابله با تبلیغات در فیس بوک است. نشریه نیمروز به نقل از هفته نامه نیوزویک در مقاله ای از مازیار بهاری روزنامه نگار ایرانی که مصاحبه ای با یک دانشجوی 26 ساله ایرانی بنام مستعار روزبه دارد نوشت: "سپاه پاسداران آن چنان نگران فعالیت مخالفان از طریق شبکه اینترنت است که یک معاونت جدید تحت عنوان "جنگ نرم" در این نهاد ایجاد شده است که به گفته محمد علی جعفری، فرمانده سپاه پاسداران، وظیفه آن "رفع ضعف ها و مستحکم کردن شکاف ها در سیستم دفاعی علیه جنگ نرم است". (نیمروز 17 دیماه 1389). همین نشریه نوشت: "سپاه پاسداران در نظر دارد که نیروی ویژه نفوذ در شبکه فیس بوک را تقویت کند که وظیفه آن بررسی ارتباطات در این شبکه برای شناسائی مخالفان و مسدود کردن دسترسی کاربران معمولی به این شبکه است. در ماههای اخیر بازجویی از جوانان ایرانی که از خارج به تهران باز می گردند در فرودگاه بین المللی تهران و سوال در مورد نوع استفاده آنها از فیس بوک به امری عادی بدل شده .. ادامه در صفحه ۱۰

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستی مبارزه ضد امپریالیستی میباشد

شبکه های اجتماعی ...
است. (نیمروز ۱۷ دیماه ۱۳۸۹ به نقل از نیوزویک).

خطر "انقلاب مخملی"

این خطر که یک امکان جدی است، در ایران وجود دارد. در پشت "انقلاب مخملی" تمام دستگاههای جاسوسی فعال می شوند و تمام سیاست راهبردی طولانی خویش را بکار می گیرند. سازمانهای جاسوسی بیکیاره در کار ارتباطات نیروهای انقلابی که آنها را از قبل شناسائی کرده اند، از طرق فنی اخلاص می کنند، تا امکان روشنگری از بین برود. زمینه مادی برای پذیرش مطالبات دموکراتیک، آزادیهای عمومی و خصوصی، ایجاد امنیت و مجازات راهزنان اسلامی و شیادان مذهبی و... موجود است. سازمانهای غیر دولتی و دموکراتیک و حقوق بشری و محیط زیستی و... که بدون تابلوهای سیاسی، از قبل بوجود آمده اند، گرچه اعضاء عادیشان همه وطندوست و سالمند، ولی از نظر طبقاتی حتی اگر باطن نیز مدافع منافع طبقه کارگر بوده و برای استقرار عدالت اجتماعی نیز فعال باشند، استقلال عمل خویش را در متن جریان سهمگین تفکر لیبرالی-امپریالیستی از دست می دهند و به ابزار اجرای مقاصد و نیات شوم امپریالیستها بدل می شوند. ما هم اکنون در این زمینه با محافلی از روشنفکران ایرانی در داخل و خارج ایران روبرو هستیم، که به خیال خودشان برای دموکراسی در ایران مبارزه می کنند، در حالیکه با رادیوهای بیگانه کار کرده و از منابع آنها تغذیه می شوند. دستمزدهای کلان برای مقالات و مصاحبه های خویش دریافت می کنند، مخارج مسافرتها و پناهندگی آنها از منابع نامعلوم تامین می شود، در کلاسهای تخصصی دوره های خبرنگاری، گزارش دهی، آشنائی با فن آوری نوین ارتباطات می بینند و... آنها برای اینکه این امکانات را از دست ندهند، از انتقاد به سیاست آمریکا و اسرائیل دوری می جویند، در مورد محاصره اقتصادی ایران حرفی نمی زنند، در مورد حق غنی سازی اورانیوم کشور ایران و سایر حقوق ملت ایران و نه جمهوری اسلامی لال می شوند، تا مستمری آنها قطع نشود. این عده پیاده نظام "انقلاب مخملی" در ایران هستند. "انقلاب مخملی" پیاده نظام دیگری هم دارد و آن همه ی توده ناراضی ضد رژیم است که در سطح حرکت می کند و عمق تحولات را که بغرنجتر است نمی بیند. آنها جمهوری اسلامی را می بینند، ولی ایران و وضعیت جغرافیای سیاسی منطقه را نمی بینند. آنها در شرایط بحرانی به صورت میلیونی به میدان می ریزند و به گوشت دیم توپ بدل می شوند. این سناریو در سطوح گوناگون اجراء می شود. در بالای سر این پیاده نظام فکری و فیزیکی، پاره ای سازمانهای سیاسی ایرانی هستند، که خود را با شعارها و برجسبهای غیر طبقاتی نظیر سکولاریسم و جمهوری خواهی و... پنهان کرده اند. سازمانهای امپریالیستی از طریق عناصر نادان و یا خودفروخته و یا کاریزیستهای این تشکلهای، مقاصد خویش را به پیش می برند و دست آخر عناصر خویش را به جلوی پرده آورده و رهبری را در دست خود می گیرند. آنها با تبلیغات کر کننده و

زندگی خویش را با ثروت مکفی نجات می دهند و ایران را قربانی می کنند. برای آنها نجات جیبشان مطرح است و نه نجات ایران.

به شبکه های اجتماعی رجوع کنید موجهی از تبلیغات ضد عرب و ایجاد دشمنی با خلقهای عرب و بویژه فلسطین و لبنان و سوریه در جریان است. در کنار این تبلیغات بدشمنی با چین و روسیه دامن زده می شود. آنها پای چاوز و فیدل کاستر و هر کس که بنحوی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت می کند و یا مخالف قلدنمنشی های امپریالیستها برای زمینه سازی تجاوز به ایران است را، به میدان می کشند. شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران و یا ایجاد صفحه های تبلیغاتی در شبکه های اجتماعی بر ضد سوریه و حتی فراخواندن به تظاهرات در جلوی سفارت سوریه در لندن و حمایت از تجاوز ناتو به لیبی و تکرار مکرر و سازمانیافته این نظریات سیاسی با نامهای گوناگون و چهره های مستعار برای اینکه جا بیفتد، آنها بیشتر توسط سازمانهای "فراماسونری" که در تل آویو و واشنگتن و لندن و... نشسته اند و خود را ایرانی معرفی می کنند، یک مجموعه سیاستهای است که دست صهیونیستها و امپریالیستها در پشت آن آشکارا نمایان است. البته برای حزب ما پاره ای واکنشهای طبیعی مردم بویژه در مورد شعار نه غزه و نه لبنان جانم فدای ایران روشن است، ولی این طرح شعارها صرفنظر از انگیزه های سالم یا ناسالم افراد، در واقع یک سیاست را دنبال می کند. حمایت از محاصره غیر قانونی اقتصادی، سیاسی، نظامی ایران برای گرسنگی دادن مردم ایران و به تسلیم واداشتن این مردم، حمایت از تجاوز به سایر کشورها و از جمله ایران، نقض حقوق ملل به پنهان حمایت از حقوق بشر، ایجاد دشمنی با ممالک و سایر کشورهایی که محاصره اقتصادی ایران را بدرستی جدی نمی گیرند و مخالف تجاوز نظامی به ایران هستند، ایجاد دشمنی با خلقهای عرب بویژه خلقهای فلسطین و لبنان و سوریه که سپر بلای تجاوز امپریالیستها به ایران هستند و در پشت جبهه اسرائیل از تمامیت ارضی و حق حاکمیت اسرائیلی و امپریالیستی در شبکه های اجتماعی است که به بسیاری نیروهای سالم و ایراندوست نیز متاسفانه بدون توجه به عواقب آن سرایت می کند.

راه چاره

بنظر حزب کار ایران(توفان) امکان ندارد که با خرده کاری و درگیری با این جناح و یا آن جناح بتوان در مقابل این سیل عظیم خرابکارانه متشکل از سازمانهای جاسوسی و تشکیلات کارشناسانه و کارگشته و انبوهی افراد نادان فریب خورده و دشمنان فعال طبقاتی و...، مقاومت کرد. حزب ما نیز سیاست راهبردی خویش را باید در این مبارزه در پیش بگیرد و با این پرچم به جنگ آنها رود. باید به شناخت سیاستهای دشمن ملی و طبقاتی موفق شد تا توانست بدل دسیسه های وی را بکار برد. این که حزب ما تا به چه موفق خواهد بود تنها به درستی این سیاست مربوط نمی شود، به تناسب قوای طبقاتی و شرایط عینی نیز وابسته است. البته شرط پیروزی داشتن خط مشی صحیح است، ولی شرط لازم و... ادامه در صفحه ۱۱

مصاحبه های از قبل تنظیم شده، چهره های معینی را بخورد مردم می دهند و برایشان سابقه های درخشان تاریخی می سازند. مشتی نادان سیاسی خوش قلب، تصور می کنند با سیاستهای خویش می توانند سر سازمانهای جاسوسی و امپریالیستهای مار خورده افعی شده را، کلاه ملی ایران دفاع می کنند. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه مردم ایران است و نه قویایگذارند. از امکانات آنها استفاده کنند و سر بزنگاه گردشی به نفع مردم ایران بنمایند. باین افراد باید گفت که مبارزه سیاسی قمار نیست و اگر امپریالیستها و سازمانهای جاسوسی پر تجربه آنها قادر نشوند کنترل این افراد را بدست گرفته و بی ضررشان کنند، در یک ترور ساختگی بدست جمهوری اسلامی و یا تروریستهای القاعده، حماس و یا حزب اله لبنان و یا تصادف ماشینی به کارشان خاتمه می دهند. این افراد هنوز نمی فهمند که انقلاب کار توده های مردم و نه عناصر خرده بورژوا که ارزش خودشان را غیر واقعی تخمین می زنند، خواهد بود. امپریالیستها و صهیونیستها بیش از بیست سال است که با سیاست راهبردی در این زمینه فعالند و این فعالیت را بعد از سقوط دوران قلدنمنشی آشکار جرج بوش تشدید کرده اند. لندن، پاریس، آمستردام و لاهه، برلین، پراگ، واشنگتن، دوی از مراکز فعالیتهای آنهاست. آنها روخانه ای از افکار مسموم و لیبرالی خویش، بدست تبلیغات و عمال آگاه و ناآگاه خویش ایجاد می کنند و این معجون مسموم کننده را بخورد افکار عمومی می دهند. وقتی سیل راه افتاد به حکم شالوده عمیق تفکر ریشه دار بورژوازی سنتی و تبلیغات مسموم و رهبری شده و عوامل فعال و چهره های شناخته شده ی پرورشی، در این دوران از وکیل و وزیر و نویسند و سخنگو و هنرمند و جایزه و مدال گرفته تا بی مدال و بی نشانه به میدان می آیند و نطقهای غرا می کنند تا کسی نتواند در میان این سیل در خلاف جریان شنا کند و اگر کسی نیز به این توهم دچار باشد، ببیند که شنایش در خلاف جریان در تعیین مسیر سیل تاثیری ندارد. این سیاست راهبردی و دوراندیشانه و تدارک دیده امپریالیستی را در مقابل دخیل بندی و دعا خوانی و ترورهای فردی آخوندی بگذارید. کدامش موثرتر و "نوید دهنده تر" است؟

عوامل این تفکر از هم اکنون نمونه "موفق لیبی" را تبلیغ می کنند و مدعی می شوند که اگر حماس و حزب اله از رژیم جمهوری اسلامی کمک مالی دریافت می دارند، چرا ما از اسرائیلیها و آمریکانیها، آنها در دنیائی که دیگر تابوهای ایندولوژیک شکسته و وجود ندارد، پول نگیریم. آنها در پی ایجاد فضائی هستند که هر خیانت ملی را توجیه نموده و سرانجام در مخالفت با جبهه های ضد جنگ در خارج و داخل ایران، در پا رکابی امپریالیسم و صهیونیسم به عنوان ستون پنجم آنها در ایران فعال شوند و "سر امپریالیستهای جهان و صهیونیسم و همه سازمانهای جاسوسی و عوامل نفوذی آنها را همه با هم کلاه بگذارند". البته این کلاه گشاد برای سر دنباله روان نادان و ناآگاه و خوشخیال این حرکتهای لیبرالی است وگرنه مارخورده افعی شده های آنها، که دوره دیده اند،

تحریم مردم ایران یک جنایت ضد بشری است

فعال شوید و با انتخاب این سیاست و دوستیابی، تلاش کنید مسیر سیل مسمومی را که راه افتاده است، منحرف کنید و به مجرای صحیح بازگردانید. این شبکه های اجتماعی با تکیه بر این اصل اساسی دیالکتیک، کمیتش با افزایش، به کیفیت جدیدی ترقی می کند، بیکی از عرصه های مهم مبارزه طبقاتی بدل شده است. ما باید در آن موثر باشیم.

توفان در توئیتر

Toufanhezbkar

حزب کار ایران (توفان)

در فیس بوک

Toufan HezbeKar

facebook



Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

مبارزه مردم فلسطین و لبنان به دفاع برخاست و با شعارهای قابل فهم، ولی عملاً بنفع اسرائیل نظیر "نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران" که اهداف راهبردی را دنبال می کند، پرهیز کرد و بجای تحریک علیه ملت‌های مبارزه در همسایگی ما، سیاست دوستی و برادری و احترام متقابل را با آنها در پیش گرفت. باید تجاوز به عراق و افغانستان و لیبی و تحریکات در سوریه را محکوم کرد. باید تجاوز به بحرین را محکوم کرد و خواهان آن شد که عربستان سعودی خاک بحرین را ترک کند. تبلیغ چنین سیاست راهبردی از جانب نیروهای انقلابی و ایران‌دوست، آن سد غیر قابل نفوذی است که در مقابل سیل خانمان برانداز "انقلاب مخملی" ایجاد خواهد شد و مبارزه توده عظیم مردم را به مسیر صحیح رهنمون می شود. با آغاز هماهنگ این مبارزه در شبکه های اجتماعی، فضای این شبکه ها تغییر می یابد. دست عمل امپریالیستها رو می شود، افکار عمومی تغییر می کند، اکثریت با دیدن برخورد آراء و عقاید مجبور می شوند از سطح به عمق بروند و در اینجاست که دست عمال دشمن که اکثریت ناچیزی هستند، ولی در کل زنجیر شبکه اجتماعی، اجزاء ارتباط را بوجود آورده اند، رو می شود. این حلقه ها پاره می شوند و دشمن نمی تواند سیاست راهبردی خویش را پیاده کند. بسیاری از این روشنفکران خرده بورژوا و خودنما که نشانه های خریدار شدن از مراجع امپریالیستی را فهمیده به سینه زده اند تغییر موضع خواهند داد و به دامن اکثریت خلق بازمی گردند. این قانون همه جنبشهای اجتماعی است.

حزب کار ایران (توفان) از این سیاست در طی سالها دفاع کرده و حقانیت خویش را در عمل بدست آورده است. روی سخن ما به سایر نیروهای دموکراتیک، انقلابی و ایران‌دوست است. در شبکه های اجتماعی

شبکه های اجتماعی ...

نه کافیت.

بنظر حزب ما، فعالین حزبی نیروهای دموکرات و انقلابی، ایرانیان وطن‌دوست.. ادامه در صفحه ۱۱

شبکه های اجتماعی ...

باید طبیعتاً از حقوق دموکراتیک و مطالبات دموکراتیک مردم و به ویژه خواستهای طبقه کارگر دفاع کنند. تکیه به خواستهای طبقه کارگر از قبیل آزادی احزاب سیاسی و اتحادیه، های کارگری، حق اعتصاب، برچیدن قراردادهای استخدام موقت، پرداخت حقوق معوقه و... دست لیبرالها، امپریالیستها و صهیونیستها را در پوست گردو می گذارد. این سیاست مغایر سیاست راهبردی آنهاست، زیرا یک زمینه فکری برای حمایت از حقوق کارگران در لشکر شبکه های اجتماعی ایجاد می کند که ماهیتاً نمی تواند با سیاستهای استثماری آنها هماهنگ باشد. تشویق جوانان و ایرانیان میهن‌دوست تا برای پیوند با جنبش کارگری تلاش کنند و در خواستهای دموکراتیک خویش از جمله خواست تساوی حقوق زن و مرد را در کنار مطالبات طبقه کارگر مطرح نمایند باید در دستور کار قرار گیرد. شرکت کارگران در مبارزه مردم، شرکت زنان در مبارزه عمومی مردم، هم دست نیروهای ملی مذهبی را در عقبگرد بعدی می بندد و هم دست سرمایه داران و همدستان جهانی آنها را برای صدمه زدن به جنبش مردم خواهد بست. در عین حال باید در کنار ائتلاف رژیم جمهوری اسلامی در کلیه زمینه ها، با صهیونیسم و امپریالیسم و سیاستهای آنها در عرصه جهان مبارزه کرد. باید میان حقوق ایران به عنوان یک کشور دائمی و عضو سازمان ملل متحد با حقوق کامل و پایدار با رژیم گذرا و میرنده جمهوری اسلامی فرق گذارد. باید از حقوق ملل همان قدر حمایت کرد که از حقوق بشر. باید از

(توفان الکترونیکی شماره ۶۷ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره میخوانید: بیانیه حزب کار ایران (توفان) در مورد تحریم اقتصادی ایران توسط اتحادیه امپریالیستی اروپا- تحریمها و تهدید به تجاوز نظامی امپریالیستها و تاثیر آن بر زندگی کارگران و زحمتکشان- بمناسبت سی امین سالگرد جانباختن رفیق عباس گودرزی (علی)- رجعت به عصر گیوتین ها- گزارشی از ایران در مورد وضعیت زندگی مردم- برماست که هوشیار باشیم. سندی درافشای موساد در ترور دانشمندان هسته ای ایران- درافشای دروغ پراکنیهای رسانه های امپریالیستی در مورد تحولات سوریه- پاسخ به دوسنوال در مورد اشغال افغانستان و نقش طالبان و علت قدرت گیری رویزیونیستها در شوری- درافشای عوامل امپریالیسم در ایران و منطقه- موسسه ایرانی - آمریکایی (IACUS) - پیکار ضد رژیمی بدون جهت گیری ضد امپریالیستی بی سرانجام است- شتر دیدی ندیدی- درحاشیه بمب اتمی رژیم اسرائیل صهیونیست- بیش از ۸۰ درصد از کارگران سراسر کشور زیر خط فقر- از زبان خودشان- ادامه جنایت و بربریت در افغانستان

توفان الکترونیک

شماره ۶۷ بهمن ماه ۱۳۹۰ فوریه ۲۰۱۲

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین

شبکه های اجتماعی، عرصه مهمی در نبرد طبقاتی (۴)

تأثیرات شبکه های اجتماعی در مردم

حضور فردی بدون سیاست راهبردی، بدون داشتن خط مشی و خواسته های روشن در فیس بوک، دردی را دوا نمی کند. اگر هزاران نیروی انقلابی نیز در فیس بوک باشند که تصور روشنی از دورنمای مبارزاتی نداشته باشند، قادر نیستند مبارزه مردم را رهبری کنند.

همانگونه که حزب طبقه کارگر، ستاد فرماندهی طبقه در جنگ طبقاتی است، در این عرصه مبارزه طبقاتی نیز حزب است که باید خطوط تبلیغاتی، تعرض و عقب نشینی را تعیین کند. برای کسب رهبری مردم باید در فیس بوک هم رهبری را بدست آورد و اعتماد مردم را به صفحات و یا شخصیت های معینی که مورد اعتماد مردم قرار بگیرند و امتحان خویش را داده باشند جلب کرد. پیروزی در چنین سیاستی صفحه و یا شخصیت مربوطه را به منبع الهام و یا رجوع در فیس بوک بدل خواهد کرد و در زمانهای بحرانی می تواند رهنمودهای راه گشا به مردم دهد و در شعارها و برنامه های آنها موثر افتد. یک نکته را نباید فراموش کرد که در ممالکی نظیر ایران اساسا جوانان و یا روشنفکران طبقات مرفه و متوسط اجتماعی در عرصه فیس بوک فعالند و اتفاقا همین طبقه و اقشار وابسته به آن هستند که زمینه بنای افکار عمومی را ایجاد می کنند. شکنجه یک دانشجو و کشته شدنش در زیر شکنجه، وجدان بورژواها را بشدت معذب می کند تا کشته شدن یک جوان گمنام کارگر که شاید هر روز قربانی شرایط سخت کاری و محیط های غیر ایمنی است.

در ایران با درخواست صفحه فیس بوک "جنگ تفنگ آپااش" که سه هزار عضو دارد، مردم به آب بازی رفته اند و روز دیگر به هندوانه خوری. زمستان در پیش است، اگر آب بازی در تابستان هوادار دارد، چرا برف بازی در زمستان خواستگار نداشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی بشدت از این اقدام مردم که یک اقدام ظاهرا غیر سیاسی است، ترسیده است. فراخواندن به آب بازی با تفنگ آپااش کاری غیر سیاسی است، ولی منبعی را خلق کرده که قدرت بسیج پیدا نموده است. این صفحه در ایران منبع رجوع مردم شده است و در زمان بحران می توانند به مرکز خبررسانی و خبرگیری تبدیل شده به نیروی قدرتمند بدل گشته و به اعتراض دعوت کند. آب بازی با تفنگ آپااش به آتش بازی و بازی با تفنگ حقیقی بدل شود و یا به یک اقدام جدی دیگر. این فراخوانهای غیر سیاسی یک دنیا نیروی بالقوه سیاسی در خود پنهان دارد، که می تواند بیک انفجار واقعی بدل شود. رژیم در همان بلاتکلیفی خویش نمی داند که چه واکنشی باید نشان دهد. این فراخوانها بیشتر تدارکاتی است، آزمایشی است، سنجش قدرت بسیج را نشان می دهد و بیک سنت جدید در ایران بدل می شود. فردا ممکن است صفحه ای در فیس بوک که مورد توجه مردم است، دعوت کند که همه با لباس سفید بیرون آیند و یا چراغهای ماشینها را روشن کنند. نفس روشن کردن چراغهای ماشین خطرناک و قابل تعقیب نیست، ولی اگر چند میلیون نفر با لباس سفید بیرون آمدند و چراغهای ماشین خود را روشن کردند، نه تنها قدرت تاثیر گذاری فیس بوک نشان داده می شود، بلکه در جنگ نخست روانی، رژیم باخته است و هراس برش می دارد ... ادامه در صفحه ۹

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 143 Fev. 2012

مرگ پایان زندگی نیست

چه خوب گفت برتولت برشت رفیق ما، شاعر بزرگ آلمانی که در دنیای تیره و تاری زندگی می کنیم. دنیای تیره تاری که دستهای ما را می بندد و دهانمان را می دوزد و از سخن گفتن عاجزیم. تنها اندیشه ماست که نمی توانند بر آن حاکم شوند.

وقتی در آلمان فدرال رهبران گروه تروریستی بادرماینهوف را ترور کردند، اوپاش دست راستی و ارادلی که به شستشوی مغزی دچار شده بودند به گورستان شهر آمدند تا از دفن آنها در گورستان شهر تولدشان جلوگیری کنند. این اوپاش می خواستند که دولت فدرال آلمان آنها را به "لعنت آباد" بفرستد. این حیوان صفتی که با اجازه پلیس قدرت نمایش یافته بود، بیان "افکار دموکراتیک" مردم به جان آمده از تروریسم جا زده می شد. دولت آلمان ولی می دانست که ایجاد "لعنت آباد" ... ادامه در صفحه ۸

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی toufan@toufan.org

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کارایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزافست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany